

جنگ خلق - ارتش خلق

جلد ۲

تجربیات عظیم حزب ما در امر رهبری مبارزهی مسلحانه
و در امر سازمان و ساختن ارتش انقلابی

اثر : ویرال ونگوین جیهاپ
(وزیر دفاع و سرفرمانده ارتش جمهوری سوسیالیستی ویتنام)

فهرست مطالب

جنگ خلق - ارتش خلق / ۲

- * تجربیات عظیم حزب ما در امر رهبری مبارزهی مسلحانه و در امر سازمان و ساختمان ارتش انقلابی ص ۳
- * حزب ما با موفقیت قیام مسلحانه و قیام عمومی اوت ۱۹۴۵ را تدارک دید ... ص ۵
- * حزب ما با موفقیت عظیمی بیکار مقاومت جویانهی طولانی را علیه* امپریالیستهای فرانسوی و مدآخله گران پانکی رهبری کرد ص ۱۵
- * حزب ما با موفقیت ساختمان و سازمان نیروهای انقلابی خلق را رهبری و اجرا کرد ص ۳۱

این اثر نخستین بار به زبان فارسی در سه جلد بوسیلهی انتشارات پارت در سال ۱۳۴۷ ترجمه و منتشر گردید . سپس جلد اول آن در یارتیمزان شماره ۷ (ویژهی ویتنام) تجدید چاپ شد . بنابه تقاضای خوانندگان ایرانی و نیز خوانندگان افغانی این اثر دوبار دیگر تجدید چاپ و منتشر گردید . سازمان چریکهای فدائی خلق در داخل کشور این اثر را در سه جلد تجدید چاپ و منتشر کرده اند (مهر ۱۳۵۳) . گراور نسخهای از آن را که برای ما ارسال داشته اند ضمیمهی این کتاب نمودیم . اینک چاپ چهارم این کتاب در سه جلد بار دیگر منتشر می شود . این سه جلد کتاب به مبارزین دلیر بخشها انتشاراتی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تقدیم می شود که در شرایط بسیار دشواری علاوه بر اعلامیه ها و اطلاعیه های بیشمار آثار ارجمندی را نیز در داخل کشور منتشر کرده اند .

انتشارات پارت

Giap: Guerre du Peuple - arméé du peuple
HANOI / 1961

EDITION EN LANGUES ETRANGERS R.S.VIETNAM

تجربیات عظیم حزب ما در امر رهبری مبارزهی مسلحانه
و در امر سازمان و ساختمان ارتش انقلابی



حزب ما هنگامی بوجود آمد که جنبش انقلابی و پهنام حوزه سیاسی را فرا گرفته بود. از همان ابتدای کار وظیفه‌ی حزب ما بطور کاملاً واضح تعیین گردید: حزب در همانان را سیاسی کرد، آنها را به قیام فراخواند و تاسیس و دست‌اندر کار شدن شورا‌های انقلابی را درخواست نمود.

از اینرو، حزب ما زود به مسئله‌ی قهر انقلابی و مبارزه‌ی مسلحانه نگاه داشت. مسئله‌ی قهر همان‌طور که ما همیشه تأکید می‌کنیم برای هر انقلابی - هر چه باشد - در همه حال مسئله‌ی مقتدی باقی می‌ماند. مسئله‌ی قهر رهنمودی است به سوی تاسیس و برقراری حاکمیت انقلابی و "تنه‌ساز راه برای آزادی و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی توده‌ها".

در سال‌های ۱۹۳۰/۳۱ جنبش انقلابی سرکوب شد. حزب ما از طریق مخفی و یا نیمه مخفی کوشید توده‌ها را سیاسی کند، تمام نیرو و مهارت به شرکت و دخالت در مبارزه فراخواند، اصول انقلاب را پایه‌گذاری و طرح کند و جنبش انقلابی را دوباره به حرکت درآورد.

سال ۱۹۳۹ با شروع جنگ دوم جهانی و درگونی در موقعیت داخلی و خارجی فرا رسید. با ردیگر این سؤال که چه موقع و چگونه قیام مسلحانه برای جنبش آزادپخش ملی تدارک تواند یافت مطرح گردید. از آن پس حزب ما هدف بصیرت خود را آماده شدن و تدارک برای قیام خلق قرار داد. قیام در اوت ۱۹۴۵ اولین پیروزی را به جنگ آورد. نه سال قیام حزب ما در مقرر نمودند هی پیکار مقاومت جوپانه‌ی خلق قرار گرفت و آنرا تا پیشروزی رهبری کرد.

از سی سال نبود انقلابی، حزب ما بیش از نیمی از این دوران را بصورت مخفی فعالیت کرد. قبل از اینکه بدانجا رسد که حاکمیت انقلابی را در سر تا سر کشور تاسیس کند و به حزب حاکم ارتقا یابد. پس از کسب قدرت نیز مانند دوران جنگ مقاومت جوپانه و دوران برقراری مجدد صلح کوشش‌های اساسی حزب صرفاً امور سازماندهی نیروهای مسلح انقلابی گردید زیرا ارتش استخوانبندی دولت انقلابی را تشکیل می‌داد.

بررسی گذشته آشکاری سازد که مبارزه‌ی مسلحانه به رهبری حزب ما در جنبش انقلابی خلق ما نقش قاطعی به خود گرفته است. حزب ما در جریان سال‌های دراز رهبری نیروی فوج العاده و شوار و ر لیرانه موثق گردید تجربیات مبهم و ضرور بدست آورد. ضرورت یکاربردن این تجربیات و لزوم ساختن و پایان رسانیدن امر این انقلابی و سازماندهی آن، ضرورت تأمین و تضمین امر ملی در شمال و لزوم انقلاب در موکراتیک ملی و سیاسی در سراسر کشور از این جمله است.

در واقع مبارزه‌ی انقلابی در تمام کشورهای تابع قوا نیست عام است. با وجود این، مبارزه‌ی انقلابی در هر کشور ویژگیها و قانون-مندی‌های خاص خود را به منصفی ظهور می‌رساند.

روسیه، یک نیروی امپریالیستی بود که در آن اقتصاد سرمایه‌داری خود به درجه‌ی رشد معینی رسیده بود. انقلاب اکبر به شکل قیام پرولتاریا و کارگران در شهرها جریان یافت.

(۱) برنامه‌ی عمل حزب کمونیست هند و چین (حزب گونو زحمتکشان و پهنام).

سیستم سرمایه داری برکنار شد و سلطه و حاکمیت شوراهای کارگران و دهقانان برقرار گردید. جنگهای متعاقب آن بوسیلهی خلق کارگر اتحاد شوروی بصورت جنگهای داخلی انقلابی علیه گارد سفید طبقه بورژوازی و طبقات ملاکین ارتجاعی درگیر شد. جنگی که اولین کشور سوسیالیستی جهان برای دفاع از خود علیه تجاوزات نظامی دست کم چهارده ملت متعصب سرمایه داری آغاز کرد و پیکار بزرگ دفاعی انقلابی در جنگ دوم جهانی بخاطر رهایی ملی و تضمین امنیت ملی در برابر قوای صلح متجاوزین فاشیست بوسیلهی خلق کارگر کشور تا اندازه ای نیرومند علیه ملت های سرمایه داری در گرفت که تا قبل کشور سوسیالیستی رخنه کرده بودند.

"چین دیروز" این سرزمین عظیم پهناور با وابستگی نیمه استعماری و نیمه فئودالی که جمعیت آن از تمام کشورهای جهان بیشترست به عقب افتادگی عمیق کشاورزی دچار شده بود. مبارزه مسلحانه مدتی پس دراز به شکل جنگهای داخلی سختی جریان یافت. در جریان این مقاومت طولانی خلق چین علیه گروههای فئودال و علیه بورژوازی کمپرادور که نماینده و نوآران امپریالیسم بودند مبارزات به جنگ انقلابی دلاورانه تبدیل گردید. هدف این مبارزات عبارت بود از انقلاب دموکراتیک چین بمطابق مرحلهی گذار بسوی سوسیالیسم.

"ویتنام دیروز" برعکس کشوری بود با وابستگی استعماری و نیمه فئودالی. کشور کوچکی بود کم جمعیت و اقتصاد کشاورزی اش بی اندازه عقب مانده. بنا براین در ویتنام مبارزه مسلحانه به شکل قیام مسوده ای (خلق) و پیکار مقاومت جویانهی طولانی علیه امپریالیسم و دارودسته های فئودالها تجلی یافت. هدفهای سیاسی این مبارزات همان هدفهای بود که در چین نیز بود: کسب استقلال ملی و تقسیم زمین بین دهقانان بمطابق مرحلهی گذار به سوی سوسیالیسم.

بی تردید مبارزه انقلابی در ویتنام بازتاب قوانین عام جنگ انقلابیست. با وجود این، جنگ انقلابی در ویتنام بنا بر شرایط و موقعیت ویژه اش در گرونی های ویژه ای منطبق بر شرایط و موقعیت خاص خود یافت. بطور یقین، حزب ما با توجه به اصول مارکسیسم - لنینیسم موفق شد انقلاب و ارتش انقلابی را رهبری کنند. موفقیت ما در نتیجهی بکار بردن اصول پر معنی و غیر دکامتیک مارکسیسم - لنینیسم در جنگ انقلابی و ارتش انقلابی تحت شرایط ویژهی موجود در ویتنام بدست آمد. کشور کوچک و کم جمعیتی با وابستگی استعماری و نیمه فئودالی که در معاصرهی امپریالیستها قرار داشت با پیکار مقاومت جویانهی سختی علیه دشمن نیرومند پیاپی است.



حزب ما با موفقیت قیام مسلحانه و
قیام عمومی اوت ۱۹۴۵ را تدارک دید

در سال ۱۹۳۹ لحظه‌ای قبل از آغاز دومین جنگ جهانی
حزب ما دریافت که مرحله‌ی جنگ و انقلاب نوینی آغاز می‌گردد.
حزب ما دریافت که در هند و چین آزادی و استقلال ملی ثابت
و بدست آوردنی است.

قیام ما یکی پس از دیگری در طول سال ۱۹۴۰ و آغاز سال ۱۹۴۱ بوقوع
پیوستند: در بنگال، در نام‌کی و در لوآونگ. گرچه تمام این
قیامها بوسیله‌ی دشمن در خون خفته شدند ولی با وجود این
شیپور آغاز قیام عمومی را در سراسر کشور به صدا درآوردند.
این قیامها، گامهای نخست در راه مبارزه‌ی مسلحانه بخاطر
استقلال هند و چین بودند.

در آن هنگام خلق زیر یوغ و گانهای امپریالیستهای فرانسوی
و ژاپنی بر سر می‌برد. هر جنبش انقلابی با خونریزی سرکوب می‌شد.
با وجود این حزب ما بطور پیگیر و لاینقطع به کار روشنگری و سازمان
در میان خلق ادامه داد. هدف آن عبارت بود از همبستگی و اتحاد
تمام نیروهای میهن دوست در جنبه‌ی ویت مین، سازمان و ساختن
پایگاههای پارتیزانی، تشکیل نیروهای مسلح انقلابی
و تدارک قیام مسلحانه.

موفقیتهای عظیم ارتش سرخ شوروی و متفقین در پائیز ۱۹۴۵ نیز
در موقعیت ما بی تاثیر نبودند. فاشیستهای ژاپنی تسلیم شدند.
سراسر کشور را فراگرفت. میلیونها نفر در شهرها و در روستا
پیاپی غارت شدند. قیام عمومی آغاز گردید. این قیام به پیروزی انقلاب
اوت منجر گردید. در دوم سپتامبر، پرزیدنت هانگ چی میهن
استقلال ویتنام را به طست و سراسر جهان اعلام کرد. این امر تا میهن
جمهوری دموکراتیک ویتنام - اولین جمهوری توده‌ای جنوب خاوری
سیا بود.

قیام اوت علیه فاشیستهای فرانسوی و ژاپنی با پیروزی قاطعی
پایان گرفت. نتیجه‌ی آن: سلطه و حاکمیت استعماری که در حدود
یک قرن دوام داشت از هم کسینته شد. حکومت مطلقه سلطنتی
عزاسالسه برچیده شد و بجای آن جمهوری دموکراتیک
سپس گردید. قیام عمومی اوت ۱۹۴۵ در تاریخ ویتنام عصر
نوینی گشود: عصری که در آن خلق آقا و ارباب خود و سازنده‌ی
مردم خویشتن است.

در باره‌ی مرحله‌ی تدارک تا مرحله‌ی قیام خلق در جنگ دوم جهانی

قطب‌نامه‌ی هشتمین پانوم کمیته‌ی مرکزی حزب در سال ۱۹۴۱

و قیام عمومی اوت ۱۹۴۵ نظریات متعدد نوینی تاکنون ابراز شده است. رفیق ما ترونک چین در کتابش "انقلاب اوت" فعالیتها و تلاشها همچنین نقیاطضعف این انقلاب را تجزیه تحلیل نموده و نتایج لازم را از آن استخراج کرده است. در مقالات زیر پروسه‌های عمومی و کلی کارهای تدارکاتی را تا قیام اوت و پیروزی این قیام مورد بررسی قرار می‌دهیم تا سرانجام حوادث اصلی بطور اجمال بیان شود. با این بررسی‌ها فعالیتهای حزب نیز بطور یقین آشکار خواهد شد.

(۱)

موفقیت قیام اوت در درجه‌های اول مرهون استراتژی درست کمیته مرکزی حزب بود. کمیته مرکزی حزب مسئله رهائی و استقلال ملی را به عنوان وظیفه‌های مرکزی حزب و سراسر خلق تعیین نمود. کمیته مرکزی حزب درک کرد که تمام نیروهای میهن دوست را بصورتی با هم متحد سازد و پیکار مقاومت جویانه را به پایانی نرسد رهبری نماید.

دو تضاد ریشه‌ای جاسوسی استعماری و نیمه فئودالی ویتنام را مشخص می‌کرد: تضاد بین سلطه‌ی استعماری و استقلال از یکسو و تضاد بین طبقه‌ی فلاکین فئودال و توده‌های دهستانی از سوی دیگر. در این میان تضاد با امپریالیسم مطلقا حقی تقدم بخود می‌گرفت و در درجه‌ی اول اهمیت قرار داشت. بنا بر این، انقلاب ویتنام فقط می‌توانست در دو مرحله عملی شود: یکی مرحله‌ی موکراتیک ملی و دیگری مرحله‌ی موکراتیک خلقی. این دو مرحله خود وظایف گونه‌گونی نیز به‌همراه داشتند. یکی وظیفه‌ی ضد امپریالیستی و دیگری وظیفه‌ی ضد فئودالی. هدف مقدم - سرنگونی امپریالیسم و رهائی ملی بود.

حزب ما از سال ۱۹۳۰ تضاد های عمده اصلی جاسوسی ما و عملکرد آنها را در انقلاب چندین بار مورد مطالعه و بررسی و مورد تجزیه تحلیل قرار داد. تازه در سالهای ۱۹۴۱/۱۹۴۰ مبارزه علیه امپریالیسم به عنوان مبارزه‌ی مطلقا مقدم تر درک و فهم شد. همچنین حزب از درگونی‌های گه سابقا بطور ناگهانی صحنه‌ی سیاست جهانی و سیاست داخلی کشور را تغییر دادند ارزیابی صحیحی نمود. ششمین پانوم کمیته مرکزی در پایان سال ۱۹۳۹ به نتایج زیر رسید: "ورق برگشته است. استثمارکنندگان فرانسوی در فکر شعله ورمساختن یک جنگ جهانی امپریالیستی هستند. سلطه‌ی آنان بر مستعمراتی مانند هند و چین که بطور واضح و آشکار بوسیله‌ی یک رژیم نظامی فاشیستی یا همکاری استعمارگران ژاپنی اعمال می‌شود تمام خلقهای هند و چین را در برابر مسئله‌ی مرگ و زندگی قرار داده است. برای خلقهای هند و چین راه نجات دیگری جز مبارزه علیه هر تجا و زیباییگانه - چه از طرف سفیدها و چه از طرف زردها - وجود ندارد. این مبارزه، مبارزه ایست بخاطر برقراری و تأمین استقلال و آزادی"

هشتمین پلنوم در سال ۱۹۴۱ خط مشی نوین رهبری انقلابی حزب را مورد بررسی قرار داد و برنامه‌ی جدید انقلاب را مشخص و تثبیت نمود. در شرایط و موقعیت کنونی، خط مشی حزب چنین است: به هر قیمت کوشش باید خلیفای هند و چین خود را از زیر یوغ فرانسوی‌ها و ژاپنی‌ها آزاد کنند. برای نیل به این هدف اتحاد گلیهی نیروهای وطن دوست - هند و چین در جبهه‌های واحد ضرورت دارد. همه چیز باید تحت - الشعاع مبارزه بخاطر استقلال و آزادی ملی و رهائی از زیر سلطه‌ی قوای اشغالی فرانسوی - ژاپنی قرار گیرد. کار عمده و مظهر مرکزی حزب مبارزه است. این امر است که گلیهی نیروهای طبقات کونه‌گون و اجزای و گروه‌های مختلف را که در خدمت امر آزادی و استقلال وطن تلاش می‌کنند، گلیهی پیروان مذاکره و طلبیهای مختلف را که علیه ژاپنی‌ها مبارزه می‌کنند با هم متحد کند و آنان را بسیج نماید. علاوه بر این، کمیته مرکزی خط مشی نوین را تعیین و مشخص کرد. شعار "انقلاب در روستا" بطور موقت کنار گذاشته شد در عوض کما هس بهره‌ی مالکانه و سلب مالکیت از زمینهای امپریالیستها و فیکانتکاران بمنظور تقسیم بین رفقان برای فقیر تبلیغ شد. در عین حال تصمیماتی نیز در باره‌ی تأسیس جبهه‌ی ویت مین (جبهه‌ی واحد برای استقلال ویتنام) و تشکیلات دیگر بخاطر کسب استقلال و آزادی ملی اتخاذ گردید.

تصمیمات هشتمین پلنوم که بطور واضح و آشکار برای رهائی ملی اتخاذ گردید نتیجه‌ی موفقیت مابقی و منطبق بر خواسته‌های اساسی همه‌ی طبقات و اقشار مهین پرست بود. در مدتی نسبتاً کوتاه جبهه‌ی ویت - مین موفق شد نیروهای قاطع خلق را بصورت یک سازمان سیاسی توده‌ای نیرومندی که برنامه‌اش مورد قبول عموم بود و همه جا در باره‌اش تبلیغ می‌شد گرد هم جمع و با یکدیگر متحد کند.

قطبنا می‌هشتمین پلنوم در جریان انقلاب اوت و وظیفه‌ی پراهمیت و قاطعی انجام داد. حال در اینجا یک نکته‌ی تکمیلی ضرورت دارد: از نقطه‌ی نظر استراتژی، سابقاً طبقه‌ی ملا کسین فتودال بمشابه‌ی ام‌اج حملگی انقلاب درست شناخته و تعیین نشدند. زیرا در تئوری بطور یکجانبه مسئله‌ی رهائی و استقلال ملی به انقلاب پورژوازی تنزیل یافته بود. نتیجه‌ی این شد که به نقش طبقه‌ی ملا کسین نسبت به نقش اتحاد کارگران - دهقانان بمشابه‌ی پلا تفرم جبهه‌ی واحد ملی پریبها داده شد. این ارزیابی نادرست بعداً در تئوری و در کار سیاسی حزب تا اثر منفی گذاشت. این امر در جریان اولین حکومت خلق و در جریان پیگیری مقاومت جویانسی ما به کم بهیادادن وظایف ضد فتودالی منجر گردید.

(۲)

این واقعیت که کمیته مرکزی موفق شد اشکال نوین مبارزه را شکوفان سازد و به تدارک قیام سلیمانه جهت تازه‌ای دهد اساس آغاز قیام عمومی اوت و موفقیت قیام بود

امر گذار به رزهی سیاسی به مبارزه‌ی صلحانه مشخص کننده‌ی رزهی و بخش کامل - متمایز از یکدیگر است که تدارکات ویژه‌ای را ضروری می‌سازد. قیام هنر است و مضمون اساسی این هنر آنست که انسان هر دگرگونی

موقعیت سیاسی را در نظر گیرد و شکل لازم مبارزه را بطور انعطاف پذیر با این درگونی‌ها تطبیق دهد. همچنین اطمینان را بپایه و وابستگی مبارزه‌ی سیاسی و مبارزه‌ی مسلحانه را با یکدیگر حتی برای لحظه‌ای از نظر دور نندارد. نتیجه چنین است که در مرحله‌ی ابتدائی، تبلیغات و بسیج نسبت به مبارزه‌ی مسلحانه حتی تقدم بخود می‌گیرد. این دو شکل فعالیت بطور متناظر بر یکدیگر اثر تکمیلی می‌گذارند و رشد می‌یابند تا آنجا که در مرحله‌ی مشخصی ارزش مساوی و یکسانی با هم پیدا می‌کنند و سرانجام عملیات مسلحانه اهمیت درجه‌ی اول کسب می‌کنند.

ولی در این مراحل بسیار اهمیت دارد که بتوان لحظه‌ی مناسب را دقیقاً تعیین کرد. - لحظه‌ای که مبارزه‌ی مسلحانه به حدود مصیبت‌رسان رسیده و سرانجام لحظه‌ای که مبارزه‌ی مسلحانه ضرورت اجتناب‌ناپذیری می‌یابد. اشکال مبارزه تعیین‌کننده‌ی شیوه‌ی کار و تشکیلات است. روشن است در شرایطی که از طرف ما مبارزه‌ی نا طبع می‌آید هدایت می‌شود انحرافی از خطوط استراتژی و تشکیلاتی ما یعنی کمبود فقدان ثبات و دیدی همه جانبه. این امر موجب وعوار می‌گردد. - خواهد داشت. ارزیابی‌ها درست شرایط ذهنی تناسب نیروها بین انقلاب از یکسو و ضد انقلاب از سوی دیگر خواهی نخواهی و ناگزیر می‌بایست به شکست‌های منیر و منتهی شود. در طرح قیام مسلحانه تعیین خطوط کامل و واضح و آشکاری ضرورت داشت تا کارها، انقلابی این امکان را داشته باشند که با اطمینان کامل و در انطباق انعطاف‌پذیر یا موقعیت، شرایط را برای قیام مسلحانه تا مرحله‌ی بلوغ و رسیدگی آن شکوفان سازند.

هشتمین پلنوم کمیته‌ی مرکزی در این مورد به نتایج زیر رسید: " برای امر آموزش و تربیت نیروهای لازم جهت قیام، حزب ما باید اقدامات زیر را انجام دهد:

- (۱) - سازمان‌های رها نشدن ملی گسترش یا بند و مستحکم شوند.
- (۲) - سازمان‌های در شهرها، در کارخانجات، در گانه‌ها و در مؤسسات خارجی (اداری و کارپردازی عمومی) بوجود آیند و گسترش یابند.
- (۳) - تشکیلات ما در شهرستان‌های که هنوز در آنجا شرایط ضعیف است و در مناطقی که اقلیت‌های ملی حاکمیت دارند تکمیل شوند.
- (۴) - اعضا حزب آموزش و تعلیم یا بند و برای مبارزه چنان تربیت شوند که نمونه و سر مشق غذاکاری برای تمام اهالی باشند.
- (۵) - اعضا حزب متوجه این امر شوند که بیان از پیش لایق تر و مجرب تر شده و در موقعیتی قرار گیرند که بتوانند وظایف رهبری یا برعهده گیرند و مشکلات و مسائلی را که پدید می‌آیند حل کنند.
- (۶) - گروه‌های پارتیزانی سازمان داده شود و سر بازان نیز متشکل شوند.

لشکر در هنگام فعالیتش برای قیام دریافت که قیام یا بند برپا می‌شود و اشتیاق انقلابی توده‌های مردم متکی باشد و نه برپا می‌شود. منت توطنه‌گر. هرگز نباید بخاطر اینکه قیام مسلحانه در پیش است و تدارک چنین قیامی فراهم می‌شود کار سیاسی و فعالیت برای آگاه کردن سیاسی توده‌ها کنار گذاشته شود. برعکس بدون کار همیشه آگاه کردن توده‌ها (سیاسی کردن توده‌ها) قیام نمی‌تواند پیروز

شود. کار مرکزی و مهم طرح قیام در درجه‌ی اول روشنگری و تشکیک ساختن توده‌ها بود، وسعت دادن و گسترش و استحکام درونی سازمانهای رها نیفتش ملی بود. زیرا فقط بر اساس سازمانهای مستحکم و متین این امکان بوجود می‌آمد که تشکیلات و سازمانهای شبه نظامی نیرومندی بوجود آید و سپس به راه تشکیل گروههای کوچک پارتیزانی گام نهاد. گروههای پارتیزانی که با توده‌های انقلابی را بطرفی نزدیک باید داشته باشند و در موقعیتی باشند که عملیات انجام داده و پایگاههای پارتیزانی را گسترش دهند.

در سالهای اول، هنگامی که امر سیاسی کردن خلق عقب افتاده و کم‌رشد بود و برعکس، نیروهای دشمن متمرکز بودند تدارک و آماده شدن برای قیام مسلحانه می‌بایست بی‌تدرید با سیاسی کردن توده‌ها آغاز گردد. مرکز ثقل کار روشنگری و سازماندهی توده‌های مردم در کلیه مناطق - مخصوصاً در مناطقی که نقطه‌ی ضعف محسوب می‌شدند - قرار داشت. کمیته‌ی مرکزی منطقه‌ی کوهستانی ویت نام و مناطق اطراف کاتو بانگ و بانگ سون - ونای را به‌شاید مرکز ثقل و به‌عنوان اولین پایگاه‌ها انتخاب نمود. در شرایط سابق غیر ممکن بود پایگاههای مبارزه‌ی مسلحانه مخفی بماند. پایگاه می‌بایست در محلی باشد که در آنجا جنبش انقلابی می‌توانست بر تشکیلات توده‌ای متکی شود، یعنی در مناطقی که گروههای دفاع مسلح از خود و گروههای ضربتی از درون تشکیلات و سازمانهای توده‌ای مردم پدید آری می‌شوند. سپس این ضرورت بوجود می‌آید که سازمانهای گروههای مسلح از عمده‌یادست کم‌زخشی از امور تولیدی در آن منطقه مصاف و آزاد شوند و در صورت امکان قدم‌فرا تر نهاده گروههای پارتیزانی تشکیل یابد.

بند ریج گروههای رزمنده تشکیل گردید: "گروههای کوچک" (شامل گارد ها و اعضا مخفی)، گروههای کوچک (سلاح)، گروههای کوچک (منفی - نظامی)، گروههای محلی و واحدهای مسلح نظامی. خط مشی ما در این مورد چنین بود: کار و فعالیت روشنگری در جهت مساعد کردن امر مسلح ساختن توده‌ها، در این مورد برای فعالیت سیاسی جای بیشتری باز گذاشته شود تا عملیات نظامی. یک کلام: امر روشنگری مقدم بر زد و خورد های نظامی باشد. هدف عملیات نظامی آن بود که پایگاههای سیاسی تحکیم و تضمین یابند و سرانجام گسترده‌تر شوند. بدین منظور می‌بایست در جهت تحکیم و تقویت دستجات مسلح و نیمه مسلح فعالیت شود، این دستجات مسلح و نیمه مسلح می‌بایست ضرورتاً مخفیانه عملیاتشان را انجام دهند. مرکز ثقل فعالیتشان تبلیغات، کوتاه کردن دست خیانتکاران و راندن آنان بود. در جریان عملیات نظامی شعار دستجات مسلح و نیمه مسلح چنین بود: غافلگیرانه حمله ور شوند و برق‌آسا ظاهر شده و فوراً عقب نشینی کنند - بی‌آنکه اثری از خود برجای گذارند. امکانات مبارزه‌ی قانونی و علنی توده‌ها می‌بایست باز گذاشته شود.

هنوز تا این موقع مسئله‌ی تاسیس و برقراری قدرت انقلابی مطرح نشده بود. مناطق وجود داشت که در آنجا اهالی از تشکیلات و سازمانهای رها نیفتش ملی پشتیبانی می‌کردند. و طبیعتاً کدرست از اینرو

گروه محلی ویت مین بمشابهی نماینده قدرت انقلابی از طرف
 ایالتی همان محل ها پذیرفته می شد. در این مناطق نیز قدرت دشمن
 را سرنگون نکردیم. بلکه کوشش کردیم از وجود آنها به نفع خود استفاده
 کنیم. تمیزی مرکزی با این هدف فکری تشکیلات جبهه‌های رها شیخش
 ملی را در بک سون - و نائی اداره و رهبری می کرد. همچنین
 پرزیدنت هو چی بین به تشکیلات منطقه‌ای کائو بان بک گان
 اصول اقدامات و عملیات مسلحانه را توصیه کرد. از اینرو تا سپس واحد
 مسلح تبلیغاتی ارتش رها شیخش ملی ویتنام در صفا مقدم مبارزه
 ضرورت یافت. تجربه نشان داد که در جریان مرحله‌ای تدارک و قیام
 مسلحانه هرگونه انحرافی از خط مشی جنبش انقلابی برای مدتی
 شکست و ضایعات سنگین بیاری آورد. آری، حتی خود امرتسدارک
 قیام مسلحانه در معرض خطر قرار می گیرند.

کودتای ژاپنی در تاریخ نهم مارس ۱۹۴۵ اوتنام را کاملاً در گون
 کرد. اربابان استعمارگر فرانسوی ما قسط شدند و قاضیستهای ژاپنی
 بصورت دشمن عمده‌ی فکلی ویتنام اعلام شدند. قبل از اینکسسه
 قاضیستهای ژاپنی فرصت یافتند سلطه‌ی خود را برهند و جبهه‌ی گسترش
 دهند در کلیه‌ی جبهه‌ها تلفاتی یکی پس از دیگر بر آنها وارد شد.
 کمیته‌ی مرکزی حزب به موقع تحلیل جامعی از بحران سیاسی که کودتای
 قاضیستهای ژاپنی پدید آورد نمود. در مورد تشکیل جبهه‌ی ضد ژاپنی
 نیرومندی بمشابهی نخستین گام برای قیام عمومی بخاطر رهائی ملی -
 تبلیغ کرد. امرتسدارکاتی می یافت تا مرحله‌ای که شرایط را برای
 قیام عمومی آماده سازد بیشتر گفت کند. دربارهی تشکیل نیروهای پارتیزانی
 برای تصرف مناطقی اشغال شده و وحدت تمام نیروهای انقلابی
 تبلیغ شد. این نظریه مورد تأیید قرار گرفت آنجا که پارتیزانها
 عملیات انجام میدهند بطور علنی شورا‌های انقلابی تأسیس یا بسد
 و در مناطقی که پشتیبانی توده‌ها نسبتاً بیشتر است شورای انقلابی مخفیانه
 تشکیل یابد.

واحد‌های ارتش رها شیخش و واحد‌های ارتش ملی از حدود
 کائو بان - بک گان تا حدود تائی نگوین - تائی کوانگ و از مناطق
 مناطق دیگر بسوی بخشهای مختلف حمله ور شدند و در آنجا شورا
 های انقلابی محل را تأسیس کردند. عملیاتی که برای از میان برداشتن
 انبارهای بزرگ برنج دولت انجام می گرفتند بیشتر شدند. واحد‌های
 مسلح ضربتی ویت مین حتی در مراکز شهری نیز عملیات خود را انجام
 دادند و این عملیات روز به روز بیشتر و شدیدتر شدند. در استان گوان ناگی
 واحد‌های پارتیزانی "با - تو" تشکیل شد. جنبش ماقبل انقلاب
 آغاز شده بود. واحد‌های دفاع مسلح و واحد‌های ضربتی و کمیته‌های خلق افزایش یافتند.

در استان بک بو در آوریل ۱۹۴۵ کفرانس نظامی بک بو تشکیل
 و مصمم شد تمام نیروهای مسلح انقلاب را در ارتش رها شیخش
 ویتنام متشکل سازد. علاوه بر آن تشکیل مناطق جنگی و کمیته
 های نظامی انقلابی را در شمال پیش بینی کرد. در ژوئن همان سال
 مناطقی آزاد بوجود آمد و در شش حوزه‌ی این منطقه ده بند مقررات
 ویت مین توانست اجرا گردد. ویت مین بصورت مناطق وسیعی را در بر
 گرفت. تا شهر ایچوان منطقه‌ی آزاد و تشکیل ارتش رها شیخش بقدری

نیرومند بود که خلقی را برانگیخت و اقدامات تدارکاتی را سرپا تشدید نمود و به لحظهای مناسب ارتقا داد. نتیجه این شد که قشرهای اجتماعی خاصی که تا آن هنگام از انقلاب سر باز می زدند به انقلاب رو آورده و در صفوف دشمن اختلال و پیریشانی بوجود آمد.

از ماه مه ۱۹۴۵ عملیات و اقدامات تدارکاتی برای قیام عمومی مسلحانه وارد مرحلهی نوینی شد. تبلیغ مبارزهی ضد ژاپنی در سراسر کشور، برافروخته شدن شعلههای جنگهای محلی پارتیزانی، تا سینه قدرت خلقی، تشکیل پایگاههای پارتیزانی در نقاط مختلف بمنظور مبارزه علیه فاشیستهای ژاپنی.

در پرتو رهبری حزب و جنبش انقلابی جهش درستی که اطمینان بخش بود به پیش برداشت.

(۳)

این واقعیت که کمیته مرکزی حزب بطور دقیق و واضح شرایط را نشان داد که در آن شرایط، قیام آغاز و به پیروزی منتهی شود برای بسیج تمام حزب و سراسر خلق این امکان را فراهم ساخت که با خود اکثر روحیهی قاطعیت، دلاوری و دینامیک به پیروزی قیام اوت خود به خود یاری رسد.

استدلالین، در بیانات خود در باره قیام لحظهای مناسب و انتخاب این لحظهای مناسباً بهیچیک از شرایط عمده و اصلی برای قیام ذکر کرده است: "لحظه باید درست انتخاب شود تا قاطعانه ضربه وارد شود. لحظهای شروع و آغاز قیام باید لحظهای باشد که در آن لحظه بحران به بالاترین نقطه اوج خود رسیده باشد. لحظهای که پیشاهنگان مصمم شده اند تا پایان کار بچنگند. لحظهای که قوای ذخیره آماده هستند از پیشاهنگان پشتیبانی کنند. لحظهای که پیریشانی در صفوف دشمن از همیشه بیشتر است."

در سببهای که حزب ما - البته با دادن قربانیهای بیشمار - از قیام های ننگه آن - نهایتاً گرفته تا قیام نامگی، آموخت اهمیت عظیم انتخاب لحظهای مناسب قیام را برجسته تر کرد. از سال ۱۹۴۱ - ششمین پانوم کمیتهی مرکزی حزب کوشید دقیقاً شرایط را تحلیل کند که در تحت آن توانائی داریم خلق را به قیام بکشانیم:

- "انقلاب هند و چین فقط می تواند با قیام مسلحانه انجام گیرد برای تدارک این قیام شرایط زیر باید حاصل گردد: تمام نیروهای ملی در جبههی رهائیبخش ملی واحدی در سراسر کشور بهم پیوسته و با هم متحد شوند. خلقی که نمی تواند بیش از این زیر سلطه فرانسوی ها و ژاپنی ها بسربرد آماده است که بهر قیمت شده با دادن همه نوع قربانی و تحمل غذاکاری علیه دشمن قیام کنند. هیئت حاکمه هند و چین در بحران عباد اقتصادی، سیاسی و نظامی بسر برد. شرایط عینی که قیام را مساعد می سازند عبارتند از: پیروزی چین بر فاشیستهای ژاپن، انقلاب در فرانسه یا در ژاپن، پیروزی

اردوگاه و موزائیک در منطقه‌ی اقیانوس آرام، رشد جنبش انقلابی در مستعمرات فرانسه و ژاپن و بیژن از همه حلقه‌ی قوای چینی و کما یا قوای انگلوساکسون‌ها برهند و چین.

در برنامه‌ی مورخ مه ۱۹۴۴ که بوسیله‌ی شورای ملی ویت مین تصویب شد، تدارک قیام مسلحانه طرح گردید، این برنامه آشکارا نشان داد که در کدام لحظه می توان خلق را به قیام برانگیخت: "لحظه‌ای که در آن:

- ۱ - آشفتگی در صفوف دشمن به نقطه‌ی اوج خود رسیده است.
- ۲ - ارتش‌رها شیبش ملی و ارتش انقلابی برای مقاومت در برابر دشمن قابل‌توانانه مصمم شده‌اند.
- ۳ - توده‌های وسیع خلق، قیام را بپذیرند و آماده باشند از نیروی پیشاهنگی پشتیبانی کنند.

هرگاه لحظه‌ی آغاز قیام را درست و دقیقاً تعیین کنیم انقلاب‌رها می بینند، ملی ما پیروز خواهد شد. ما باید بتوانیم همواره نبض جنبش را دقیقاً کنترل کنیم و با صلاح با در دست داشتن نبض او چگونگی ایستادگی توده‌ها را مورد توجه و بررسی قرار دهیم. هیچ‌کس نمی‌تواند در مورد قیام و اوضاع بین‌المللی را در لحظه بطور آشکار و واضح مورد توجه قرار دهیم تا لحظه‌ی مناسب را درک کنیم و توده‌های خلق را به قیام واداریم.

پس از سقوط فرانسوی‌ها بوسیله‌ی کودتای ژاپنی‌ها، کمیته‌ی مرکزی حزب در برنامه‌ی تاریخی دوازدهم مارس ۱۹۴۵ آشکارا بیان داشت که شرایط مناسب نوپنی برای قیام هنوز بوجود نیامده است. طبق نظر کمیته‌ی مرکزی لحظه‌ی آغاز قیام عمومی هنگامی فرا می‌رسد که قوای ژاپنی‌ها برای مقابله با پیاده شدن نیروهای متفقین مجبور شوند نیروهای مسلح خود را از پشت جبهه به جبهه‌ی اصلی فراخوانند. کمیته‌ی مرکزی اضافه کرد که "هرگاه پس از انقلاب در ژاپن نیروهای خلق حاکمیت انقلاب را بدست گیرند و با هنگامی که فاشیستهای ژاپنی با ننگستی همانند یا شکست فرانسوی‌ها در سال ۱۹۴۴ روحیه‌ی خود را از دست دهند آنگاه این امکان بوجود خواهد آمد که قیام هر لحظه با پیروزی آغاز گردد. حتی اگر پیاده شدن قوای متفقین نیز عملی نشود."

جنبش انقلابی همچون امواج طغیان آیز اوج گرفت. اوضاع بین‌المللی بطور ناگهانی دیگرگونه شد. در هشتم اوت ۱۹۴۵ ارتش سرخ شوروی به حملات پیروزندانه‌ی خود پرداخت. گوان تون (عظیتمرین لشکر ژاپنی‌ها در طی کوتاه‌تاریخ تاروما رشد، فاشیستهای ژاپنی در موقعیت بسیار بحرانی در افتادند و در فکر تسلیم بی‌قید و شرط بودند. در این لحظه کنگره‌ی ملی حزب در تان ترائو مشترکاً با کمیته‌ی ملی ویت مین تصمیم نهائی برای قیام عمومی را اتخاذ کردند. هدف: تأسیس حاکمیت خلق در سراسر کشور.

کمیته‌ی ملی ویتنام تشکیل شد و بلافاصله در تان ترائو کنگره‌ی ملی افتتاح شد که در آن نمایندگان خلق، کمیته‌ی رها شیبش خلق ویتنام را انتخاب کردند. حکومت موقت به ریاست پوزیدنت شوچی مین تشکیل شد. در همین هنگام خبر تسلیم شدن قوای ژاپنی‌ها به ما رسید.

قوای فاشیستهای ژاپنی و دستیارانشان با چریکهای مسلح آنها در حال انحصار بودند. لحظهای آن فرا رسیده بود که سازمان های حزب و ارگانهای ویت میسن در نقاط مختلف بدون فرمان صریح جنگی، خود، عمای خلق را به قیام و تمخیر قدرت فراخوانند و با این ترتیب به خط منی کمیته مرکزی، جامعه عمل پوشانیده و آنرا عملی سازند.

در یازدهم اوت قیام خلقی در هانین، در دوازدهم اوت اعلام فرمان قیام عمومی در مناطق آزاد شده، سپس حمله ارتش رهایی بخش برپست های متصد در شین. چند روز بعد حمله بر تائی نگون. در سیزدهم اوت قیام در کوانگ نگی و در نوزدهم اوت پیروزی در نشان قیام کنندگان در هانوی (شهر مرکزی). بلافاصله پس از آن، قیامهای پیروزمندانهای دیگری در هوانگ (بیست و سوم اوت) و در سائگون (بیست و پنجم اوت) بوقوع پیوست. در بیست و نهم اوت اولین هنگ ارتش رها میهن ویتنام وارد هانوی شد.

همه جا، در شهر و روستا - میلیونها نفر چون امواج طغیان آمیز بیاختادند تا قدرت را از فاشیستهای ژاپنی و وابستگان پوشالی آنان بازستانند و به حاکمیت امپریالیستهای واریا بن فتوئال خانم دهند. چون تشکیل جبهه وسیع گروههای مختلف، سیاه می که بوسیلهی فورماسیونهای مسلح و نیمه مسلح پشتیبانی می شدند، چون بی زیان ساختن قوای مضمحل شدهی ژاپنی ها با موفقیت روبرو شد تلفات به حداقل محدود گردید، و فرمان قیام عمومی در سراسر کشور از شمال تا جنوب اجرا شد. در نتیجهی فشار یکپارچهی خلق شاه (با ثو دای) مجبور به استعفا گردید و حکومت دست نشاندهی ترونک کیم نیز تسلیم شد.

در دوم سپتامبر ۱۹۴۴ حکومت موقت خود را معرفی کرد. در میدان تاریخی "بایدین" پرزیدنت هوچی مین استقلال ویتنام را اعلام داشت. جمهوری دموکراتیک ویتنام متولد شد و یک واقعهی بزرگ تاریخی در جنوب خاور آسیا بمنصهی ظهور رسید.

حزب ما با انتخاب صحیح لحظهای قیام، قیام عمومی اوت را به پیروزی رهنبری کرد. انتخاب لحظهای قبل از موقع مناسب بی تردید مشکلات عدیدهای بهمراه خود می داشت. برعکس انتظار طولانی تر و تصویبی آن خطر پیاده شدن قوای چیانگ کائیشک و نیروهای انگلیسی را بهمراه داشت. حزب ما، خلق را درست در لحظهای مناسب به قیام فراخواند. لحظهای که تسلیم شدن ژاپنی ها امر قطعی بود - گو اینکه هنوز نیروهای متفقین پیاده نشده بودند.

پیروزی قیام مرحوم انتخاب صحیح لحظهای مناسب است. موفقیتهایی که در بالا به آنها اشاره شد تا اندازه ای وابسته به گوششها و فعالیتهای رهنبری حزب ما و همچنین وابسته به شرایط نهنی هستند. لیبمی است که سرانجام پیروزند این قیام بطور قاطع نتیجهی شرایط عینی می باشد. در این مورد گنا نیست که تناسب و مواضع نیروهای بین الطلی را مورد توجه قرار دهیم. پیروزی

عظیم ارتش سرخ شوروی و نیروهای مسلح متفقین بر غایتیسم آلمان - ایتالیایی - ژاپنی بر امر رهایی ملی ما تا شیرگداشت و موقعیتی مساعد برای آزادی و رهایی ملی خلیقهای سرکوب شوند. سر امر جهان پدید آورد. در ویتنام، هند، انقلاب در جریان روزهای قیام اوت در حال پیشانی و افشالان یسری بر روی اشغال فرانسه بوسیلهی فاشیستها، قدرت و اتوریتهی استعمارگران را قاطعانه تضعیف کرد. در اثر و در نتیجه تضادهای درونی بین اشغالگران و دشمنی که سالیان دراز کشور ما را متصرف شده بود و در اشغال خود داشت - بدست فاشیستهای ژاپنی سرنگون و ساقط شد. با این امر قدرت فئودالیتهای که در خدمت دشمن قرار داشتند در هم شکسته شد. فاشیستهای ژاپنی از تهم ما رس در ضمن عهدین ما مغرب شد. پس از تحمل یک سلسله شکست که بر آنان وارد شد به موقعیتی بحرانی دچار شدند. محروم دست نشاندگی طبر فدار ژاپن نه زمینهای لازم و نه نیروی کافی داشت تا با جنبش انقلابی که روز به روز قوی تر و نیرومندتر شد به صفا بلبه برخیزد. پس از پیسروزی بزرگ ارتش سرخ شوروی و تسلیم شدن فاشیستهای ژاپنی روحیه و توان نیروهای مسلح ژاپنی که در کشور ما مستقر بودند ضعیف شد در چنین اوضاعی تصورات و تخیلات حاکمیت و سلطه آنان بر کشور ما همچون دود هوا رفت. در چنین موقعیتی بی زیان ساختن آنان کار آسانی بود. از اینرو قیام با صفا و دست سر سختانسیه رو برو نشد و پیسروزی برای ما دشوار نشد این شرایط عینی که ذکر شد نشان میدهد که نیروهای سوسیالیسم، دموکراتی و صلح و پیش از همه نیروهای عظیم ارتش سرخ شوروی بر انقلاب ما تا اثر قاطعی داشتند. این شرایط عینی مؤید این امر است که انقلاب ویتنام عضو جدا نشدنی انقلاب جهانی سوسیالیستی می باشد. موید اینست که عصر ما عصر پیسروزی نهی عظیم انقلاب سوسیالیستی و جنبشهای رها تیغش ملی، عصر سقوط استعمار امپریالیستی می باشد. با وجود این، تمام این شرایط مساعد عینی نه از ارزش فعالیتها و تلاشهای کاملاً آشکار حزب ما می کاهد و نه از ارزش کمکهای آن به پیروزی قیام عمومی اوت. برای آنکه به نقش قاطع رهبری صحیح بتوان پی برد و این امر را روشن تر ارزیابی کرد کافیست ویتنام را با سایر کشورهای جنوب خاوری آسیا در همان لحظه و در همان مقطع تاریخی مقایسه کنیم. علیرغم شرایط عینی یکسان، در آن کشورها انقلاب یکپارچه خفته شد.

اهمیت قیام عمومی اوت برای کوششهای خلق ما و حزب ما واقعا نمونهی سرمشق دهنده ای می باشد. خلق یک کشور مستعمره نیمه فئودالی پیروز ضدانسیه پیانخاست، به رهبری حزب کمونیست مبارزهی سیاسی طولانی را بمنصهی ظهور رسانید که سرانجام در مرحلهی قیام این مبارزهی طولانی سیاسی، یک مبارزهی مسلحانهی صلی شد.

انتخاب صحیح لحظه مناسب، استفادهی ما شمرانه از بحرانهای فوج الصاده و خیمی که دشمن بدان دچار شده بود، تکیه بر سازمانهای توده ای و برنورداری از کمک و پشتیبانی آنها که خود بطور متقابل به

وسیلہی واحد شا انقلابی خلق و نیمہ مسلح حمایت می شدند هم در جریان قیام وهم بهنگام درهم کوبیدن بساط سلطہی امیر یالیستہا و فسادالہا در شہر و روستا عوامی بودند کہ بر امر تا سہم قدرت و مہمیت دموکراتیک خلق تا اثر گذاشتند.

موفقیتہای قیام عمومی اوت نشان میدہد کہ جنبان رہا ٹیخش ملی خلقہای سرکوب شونده می تواند با قیام مسلحانہ در شرایط موجود تاریخی بہ پیروزی منجر گردد. برای اولین بار خلق کوچک و ضعیف با وابستگی استعماری بہرہبری حزب کمونیست پساخاست تا خود را از زیر سلطہ و حاکمیت امیر یالیستہا و دست نشانگان آنان رہا سازد. خلق و پتنام با قیام اوت در عرصہی جہانی و بین المللی کمک پراہمیتی بہ جنبشہای رہا ٹیخش ملی کرد کہ در جریان جنگ دوم جہانی و پس از آن لا پنتظہ همچون امواج خروشان و طغیان آمیز پساخاستہاست و اضمحلال و سقوط کامل سیستم استعماری را نوید می دہد.



نخستین واحد تبلیغ مسلحانہ بہ فرماندہی جہاپ (ہستہ ارتش خلق)

حزب بی‌ما با موفقیت عظیمی
 پیکار مقاومت جویانه‌ی طولانی علیه
 آمریکایی‌های فرانسوی و مداخله‌گران یانکی را
 رهبری کرد

مدت زمان کوتاهی پس از افتخار پیروزی انقلاب اوت و تأسیس جمهوری
 دموکراتیک ویتنام، در بیست و سوم سپتامبر ۱۹۴۵ استعمارگران فرانسوی
 با تکیه بر تواری انگلیسی در سایه‌ی یون به اقدامات و عملیات خصمانه پرداختند
 تا کشور را دوباره اشغال کرده و متصرف شوند.

هر زمان ورشکستگی ما در تمام بو خصمانه بی‌خاستند. در تاریخ
 نوزدهم دسامبر ۱۹۴۶ مقاومت سراسر کشور را فرا گرفت. پیکار
 مستقامت جویانه‌ی طولانی و رشادتی بخش می‌بایست نه سال تمام
 شعله‌ور شود و سرانجام با پیروزی عظیم دین بین‌فرو
 و گفرانس ژنو خاتمه یابد. صلح بر اساس برسمیت شناختن حق
 حاکمیت، تمامیت، استقلال و وحدت کشور ما و نیز کاملاً
 و لا شوس دوباره برقرار شد. شمال کشور کاملاً آزاد گردید.

این نه سال پیکار مقاومت جویانه‌ی پیروز ضد از صفحات حماسه
 آمیز تاریخ جنبش ملی ماست. خلق ویتنام به رهبری حزب
 از اولین زده‌خورده‌های تمام بو تا پیروزی کامل و قاطع
 دین بین‌فرو ارتداد متجاوز یک قدرت آمریکایی را شکست
 داد. در اینجا کوشش خواهم کرد تجربیات عمده و متعدد را که
 در مورد کار رهبری حزب در جریان جنگ انقلابی بدست آمده
 ایم بطور جامع بیان کنم.

(۱)

موفقیت پیکار مقاومت جویانه‌ی خلق ما مرهون سیاست حزب
 ماست: وحدت و همبستگی تمام نیروهای درون خلق برای
 مقاومتی لا ینقطع و پیگیر.

درست مانند آغاز جنگ دوم جهانی بهنگامی که حزب ما مردم را
 به تدارک تمام بخاطر رهایی ملی فراخواند. اکنون نیز در فاصله‌ی
 سالهای ۱۹۴۵/۴۶ پس از تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام بلافاصله
 حزب ما سیاست زیر را تبلیغ کرد: تمام نیروها با هم متحد
 شده و خصمانه‌ی بی‌خیزند، در برابر تجاوز مقاومت کنند تا
 از موفقیت‌های انقلاب اوت و آزادی استقلال ملی که بتازگی و اخیراً
 بدان نائل شده بودینم با تمام وسایل دفاع کنند. حزب ما می‌بایست
 از همان آغاز افتخار پیروزی انقلاب در فکر حمله‌ی نوین استعمارگران
 فرانسوی باشد. در هنگام اعلام بی‌خیزند استقلال و آزادی حزب ما
 به سراسر خلق اعلام داشت که مراقبت و هشیاری خود را در چندین
 کنند تا بهنگام خطر از کشور دفاع نمایند.

حوادثی که بوقوع پیوست بر همه آشکارست : استعمارگران متجاوز فرانسوی بهنگامی که هنوز قدرت خلق قوام و استحکام نیافته بود و ما در کلیه عرصه ها با مشکلات جدی دست به گریبان بودیم آتش جنگ را در سا یگون برافروختند . سرگز تا این اندازه قوای خارجی کشور ما را اشغال نکرده بود :

- قوای ژاپنی ها ، علیرغم تسلیم شدن ژاپن هنوز مسلح بودند .
 - قوای مسلح چیا نکا یشک که برای ساقط کردن قدرت ما تمام اهرمها را بمنظور پشتیبانی از کومیندان ویتنام بکار انداختند .
 - قوای انگلیسی ها در جنوب شانزده درجه عرض جغرافیائی از استعمارگران فرانسوی بطور جدی پشتیبانی میکردند تا جنگ تجاوزی تشدید و گسترش یابد .

حزب ما اهالی نام بو را مضممانه علیه فرانسویان وارد صحنه ی پیکار کرد . برای اینکه همه نیروها متحد شوند و متوجه دشمن عمد و گرد در درون کشور این خط مشی تبلیغ شد . متحد بین هر چه پیشتر و دشمنان هر چه کمتر ، گسترش جبهه ی واحد ملی ، تا سپس اتحادیه ی ملی ویتنام (لیسن ویت) ، متحد ساختن تمام نیروهای که متحد توانند شد ، بی زیان ساختن نیروهای که خنثی توانند شد ، منسحب ساختن نیروهای که منسحب توانند شد ، در عین حال میبایست تمام وسایل برای تثبیت و قوام قدرت انقلابی بمنظور بالا بردن توان نیروی نظامی ، برای سازمان دادن انتخابات عمومی ، برای انتخاب نمایندگان جهت شورای قانونگزاری و بالاخره برای تشکیل حکومت انقلابی بمنظور مقاومت و پیکار مقاومت جویانه بکار افتند . در مورد سیاست خارجی ، حزب ما خطوط زیر را تبلیغ کرد : میبایست تا آنجا که ممکن است از مناقشات و تمسکات با قوای چیا نکا یشک جلوگیری کرد و با تمام وسایل کوشید که سیاست همزیستی و همکاری را در پیش گرفت . سیاست خارجه علیه دشمن عمده - یعنی متجاوزین فرانسوی مثل ملنگات زیر بود : ارتش و ساکنین نام بو میبایست علیه قوای متجاوز سر سختانه به مبارزه برخیزند . سر اسر خلق فراخوانده شد که بی تردید و بی قید و شرط از اهالی نام بو پشتیبانی کنند . قوای کمک به جنوب کشور ارسال شود و در صورت گسترش و تشدید مناقشات خصمانه خود را برای جنگ مقاومت جویانه آماده نمود . از سوی دیگر لازم بود از هیچ امری فروگذار کرد تا از تضاد بین قوای چیا نکا یشک و قوای فرانسوی هب استفاده شود و با حکومت فرانسه وارد مذاکره گردید و بدین ترتیب از فرصت و موقعیت استفاده کرد و صلح را برقرار ساخت .

امضای موافقتنامه ی موقت ششم مارس ۱۹۴۷ بین فرانسه و حکومت ما نتیجه ی مثبت این خط مشی سیاسی و این تاکتیک صحیح بود . توافق شد که بخش معدودی از قوای فرانسوی ها که در ویتنام وجود داشت در چند نقطه باک بو بچسبند قوای چیا نکا یشک مستقر نسوند . حکومت فرانسه نیز به سهم خود موظف شد که جمهوری دموکراتیک ویتنام را بعنوان کشوری مستقل در درون اتحادیه ی فرانسه به رسمیت شناسد ، حکومت ما حقیقت داشت که پارلمان ، ارتش و دارای ویژگی خود را مستقلا در اختیار داشته باشد ، این تصمیم و اقدام مهم قوای دویست هزار نفری ارتش چیا نکا یشک را وارد است

که از ویتنام خارج شوند. همین امر نیروهای ضد انقلابی نومیندان ویتنام را، که پنج استان مرکزی باک هو را کنترل می کردند، منحل و ضحعل ساخت. جمهوری دموکراتیک خلق ویتنام نیرومند تر شد. با توافق گئونی شمسار صلح بنادر پیشرفت در پیش گرفته شد.

پس از امضای قرارداد مزبور تخیلاتی در باره صلح سبب شد که هشیاری ما کاسته شود. این رویانما از هشیاری ما در برابر ما نوره های خیانتکارانه، اربابان فرانسوی بطور جدی گاست. با وجود این، خط مشی سیاسی حزب بطور کلی بی تغییر باقی ماند و اجرا گردید. گلیهی کوششهای ما بهمان اندازه که صرف تقویت صلح می گردید صرفاً تقویت توان نیروی نظامی و آمادگی برای وقایع احتمالی نیز می شد. از یکسو می بایست از قرارداد پیروی نمود و از سوی دیگر می بایست در صورت نفع قرارداد مصمانه جنگید و از خود دفاع کرد.

بتدریج و پیوسته بعد فهای واقعی دشمن علنی و آشکار تر می شد. هر چه قدر ما برای برقراری صلح و احترام به مواد موافقتنامه بیشتر با هشیاری می کردیم، اربابان استعمارگر فرانسوی بیشتر بی اعتنائی از خود نشان میدادند. آنها قرارداد را نقض کردند، به عملیات تصفیه و سرکوب در مناطقی جنوبی که تحت اشغال آنها بود با بی شرمی ادامه دادند. تحریکات تازه ای برآورداختند و قدم به قدم مناطقی تازه ای را تصفیه شدند. آری، حتی به هانوی و هایدلونگ تجاوز کردند. آنها از هیچ اقدام فروگزاری نکردند که تمام سرزمینهای ما را دوباره تسخیر کنند. همینکه هرگونه راه برقراری صلح مسدود شد حزب سراسر خلق را به پیکار مقاومت جویانه فرا خواند. برای تمام دنیا آشکار بود که حزب و حکومت ما از سیاست مسالمت جویانه ی خویش منحرف نشده است ولو فرانسویان با همه وسایل به کار تسخیر مجدد ویتنام سرگرمند. برای ما وجود نداشت تا از کشور دفاع کنیم. برای خلق فرانسه و تمام کشور های صلح دوست جهان چون روز روشن بود که ما چنانچه صلح را گرفته ایم، برعکس اربابان استعمارگر تمام اهرمها را بکار می اندازند تا جنگ آغاز شود. از اینرو پیکار مقاومت جویانه، ما می توانست از پشتیبانی خلق فرانسه و خلقهای سراسر جهان برخوردار گردد. انتخاب تصمیم حزب در مورد پیکار مقاومت جویانه با سخنگوی خواسته های توده های خلق بود که علیه استعمارگران متجاوز بپا خاستند. ارتش و خلق ما فرمان پیکار مقاومت جویانه پرزیدنت هوچی میسن را بدون سرپیچی و فروگزاری از قربانی ها و تحمل دشواری ها اطاعت کرد. ارتش و خلق مصمم شدند تا در شرم کوبیدن متجاوزین به پیکار مقاومت جویانه ادامه دهند.

(۲)

در جریان پیکار مقاومت جویانه، حزب ما نکات عمده ی خط مشی انقلاب دموکراتیک ملی را بدرستی دریافت و با این امر زمینهای بوجود آورد تا جنگ خلق آغاز و پیروز شود.

مقاومت و پیکار مقاومت جویانه ی خلق ما چیزی جز ادامه ی انقلاب دموکراتیک ملی به شکل مبارزه ی مسلحانه نبود. بدین ترتیب مسئله ی کلیدی این بود که چگونه خطوط انقلاب دموکراتیک ملی می تواند برجستش مقاومت حد اکثر تا شمر را برجای گذارد.

هما نظور که بیان شده ویتنام کشوری بود یا وابستگی استعماری و نیمه فئودالی . چنانچه بعضی ما در اثر انقلاب اوت و گرگون کردید . بساط سلطه امپریالیستی برچسبیده شد . قدرت شاه و عوامل و عناصر دست نشانده در عمان امپریالیستها ، نمایندگان فرانسیونهای ارتجاعی طبیعتی ملاکین از پاندرآمدند . با وجود بعضی اینها ، باقیه ملاکین زمیندار باقی مانده بود و هنوز هم مسئله زمین نیمه حل شده مانده بود .

توانی استعماری فرانسه دوباره به کشور ما بازگشتند تا شعله‌های یک جنگ تجا وزی را برانروزند . با این تجا وزی ، تضاد عمده و اصلی بین ضافع ملت ما و ضافع امپریالیستها دوباره تجلی یافت . متجا وزی بیگانند که بود ؟ بی تردید امپریالیستهای فرانسوی بودند ، تا موقعی که در حکومت فرانسه تسلط مطلق وجود داشتند برای ما از نقطه نظر تاکتیکی لازم بود که نقطه مرجع ترین ما فوق استعمارگران را به عنوان دشمنان برجسته و معرفی کنیم . ولی پس از اینکه به خصوص پس از سال ۱۹۴۷ - دست راستی شاه ، حکومت فرانسه بیش از پیش تعدل کردند آنکاه صریحا امپریالیسم فرانسه تجا وزی و متخیل صلح محسوب شد ، امپریالیسم فرانسه دشمن واقعی خلیج و ملت ما بود . تمام امرها را بکار انداخت تا جنگ تجا وزی را رانندگی علیه کشور ما آغاز کند . این تهدید بیگانه به جستیش و قیام ملی ما جهت اصلی و عمده‌ی ضرب را نشان داد . زیرا ، برای این که امپریالیستهای فرانسوی را به غنای خود شان بازگردانیم ناگزیر می بایست تمام ملت ما را با هم بیاخیزند ، می بایست تمام طبقات انقلابی و تمام صیبن دوستان با هم متحد شوند . در غیر اینصورت چگونه می بایست جبهه‌ی واحد ملی استحکام و گسترش یابد ؟

حزب ما در سیاست ملی خود موفقیت بزرگی بدست آورد . راه حیل پرزیدنت هوچی مین با پرپر " اتحاد ، اتحادی بزرگ " بنفا طر پیروزی ، پیروزی بزرگ " و اقسیت محسوس شد . جبهه‌ی واحد ملی ضد امپریالیستی ویتنام نمونه‌ایست برای وسیعترین پلا تفرم ممکن یک جبهه‌ی واحد ملی در کشوری مستعمره . مسلم است که انقلاب رها تیخش ملی به رهبری حزب کمونیست از انقلاب دموکراتیک جدا نیست و مسئله ضد امپریالیستی با وجود ابرام آن در عین حال مسئله ضد فئودالی را نیز در بر می گیرد . در نتیجه یک اقتصاد کشاورزی عقب مانده ، در فغان در نزد ما اکثریت عظیمی از انالی کشور را تشکیل می دادند . گرچه از نقطه نظر انقلاب کیلا سیک طبقه کارگر طبقه رهبری کننده بود ولی با وجود آن در نزد ما در عقبانان نیرومندترین اردوی ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را تشکیل می دادند . بیکار ستاومت جو یانه‌ی ما نیز درست در آن ضاطقی رشد و توسعه یافت که مبارزه می توانست بر روی ما کفین روستا حساب کند و بدانها متکی باشد . در روستا اولین پایگاه برای مبارزه تا سپس گردید . جنگ پارتیزانی آغاز شد و از آنجمله می بایست مراکز شهری که دشمن در دست داشت محاصره و سرانجام آزاد شوند . چون بدلائل فوق به مسئله‌ی دهقانی اهمیت لازم و شایسته داده شد این امکان حاصل گردید که بیکسار ستاومت جو یانه‌ی ما تا شکست کامل دشمن پیوسته می گیر و شدید تر ادامه یابد .

در جریان پیکار مقاومت جویانه حزب ما چگونه مسئله‌ی سرحد فئودالی را حل کرد، چگونه دهقانان را بسیج نمود؟

در جریان انقلاب اوت، پس از بیرون راندن شاه و خوانین محلی به منظور تنبیه و کیفر خیانتکاران و بازداشت زمینها، آنان و واگذار کردن آنها به دهقانان گامهایی برداشته شد. مزارع وسیع سرمایه داران بطور موقت تقسیم شدند. ملاکین بزرگ ارتجاعی و کهنه پرست مخفیانه با امپریالیستها سازش کردند. تنها در اصل در جناح مصلحی آن روزها چنان بود که مجموعه‌ی ملت و خلق ما را با امپریالیستها، فرانسوی و عمال آنان و نیز با اربابان ارتجاعی فئودال روبرو قرار داده بود. حل مسئله‌ی "ازپای درآوردن" ما فوق استثمارگران و عمکاران خائن آنها را پیش کشیدیم. بدین ترتیب در جریان پیکار مقاومت جویانه برخی از اربابان فئودال ارتجاعی و عمکاران و جاسوسان با عملیات تصفیه ازپای درآمدند. تمام ثروت آنان - از جمله زمینهای را که ترك کرده بودند - تقسیم شد و بطور موقت بد دهقانان واگذار گردید. بدین ترتیب گوشه‌ی در راه وظایف ضد فئودالی عملاً از نظر دور نشد. با وجود این، هم در تئوری و هم در عمل و تصمیمات اتخاذ شده تصورات درهم و برهم و گنگی در مورد مستوی و مضمون انقلاب رهبا پیشش ملی پدیدار شد که مربوط به سالهای ۱۹۴۱ است. این سردرگمی - در آغاز پیکار مقاومت جویانه - به یک نوع تسامح و اهمالگری در انجام وظایف ضد فئودالی منجر گردید. از سوی دیگر گاهی به مسئله‌ی دهقانان چنان پربها داده می شد که شایستگی آنها نداشت. ابتدا در سالهای ۱۹۴۹/۵۰ بود که این مسئله مجدداً مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در ۱۹۵۲/۱۹۵۳ حزب ما به امر بسیج کردن توده‌های دهقانان با از میان بردن بهره‌ی مالکانه و اجراء رفم ارضی جامه‌ی عمل پوشانید. شعار ما عبارت از این بود: زمین به کسی تعلق دارد که آنرا کشتکار می کند. این تصمیم مترقی شور و اشتیاق میلیونها دهقان را که زمین بدست می آوردند برانگیخت و اتحاد کارگران - دهقانان را مستحکم ساخت. این تصمیم مترقی در موارد دیگر نیز تاثیر کرد: قدرت خلق و ارتش او پیوسته نیرومندتر شد و عملیات گونه‌گون پیکار مقاومت جویانه‌ی ما نیروی غیربسی نوینی بخود گرفت. بی تردید رفم ارضی يك اقدام آنگاه از خطا و اشتباه بود. ولی تاثیرات و نظایرات این خطاها پس از برقراری صلح نمودار شد و نتایج یافت و به هیچوجه بر پیکار مقاومت جویانه‌ی ما تاثیر نداشت. نباید مخفی کرد که نه تنها در شمال کشور رفم ارضی اجرا گردید بلکه در نام بسو از سال ۱۹۵۱ زمین بیسن دهقانان تقسیم شد. اجرای رفم ارضی در جریان جنگ مقاومت جویانه سیاست صحیح حزب را بد اثبات رسانید. - سیاستی که عملگردها رهکنشای آینده شد. در جریان جنگ مقاومت حزب ما از راه انقلاب و موکراتیک ملی ضحرفی نشید. از اینرو توانستیم تمام خلق را به مقاومت فراخوانیم، جنگ خلق را آغاز کنیم، توان عظیم آنها به حرکت درآوریم و متجا وزین امپریالیست را سرکوبی کنیم.

هنگامیکه اقدامات خصمانه سراسر کشور را بر آشفت حزب ما شمار زیر را داد: پیکار مقامات جویانه به پشتیبانی خلق در کشور، در پیکار مقاومت جویانه جنگ خلق نهفته است و در جریان این پیکار است که

در پیرامون تیک ، تجربیات پیکار مقاومت جویانه‌ی اولانی بدست می آید و افزایش می یابد. - مخصوصا هنگامی که روش جنگ پارتیزانی بکار رود و به مسئله‌ی دشمنان اهمیت شایسته‌ای که در چارچوب مسئله ملو به نمود می گیرد کسب کند. چون ، استقلال ملی و زمین یعنی فد فهای جنگ مقاومت جویانه‌ی ما پاسخگوی خواسته‌های اساسی توده‌ها بود تمام خلق پیکار مقاومت تا متجاوزین را از پای در اندازد و به استقلال و آزادی نائل گردد. پرزیدنت هوچی مین فرمان مشهورش را صادر کرد: " امید است که تمام مردان و زنان ، جوانان و پیران ، صرف نظر از اختلافات، عقاید مذهبی ، سیاسی و ملیت در ویتنام بپا خیزند و در مبارزه علیه استعمارگران فرانسوی بخاطر آزادی و استقلال قیام کنند. امید است آنها که تفنگ دارند با تفنگ ، آنها که خنجر دارند با خنجر و آنان که هیچ یک را ندارند با چوب و بیل و چاقو بجنگند. هر فردی موظف است به بهترین وجهی که ممکن است برای تیک بختی و سعادت ملت علیه استعمارگران بجنگد."

خلق ویتنام از فرمان پرزیدنت هوچی مین بیرونی و اطاعت کرد. میلیونها نفر مرد و زن دلیرانه پیکار خاستند و در پیکار مقاومت جویانه علیه دشمن شرکت کردند. این جنگ ، جنگ خلق و یک جنبش ملی و حقانی بود. زیرا آنها می جنگیدند بطور عمده در حقانانی بودند که سالها زیر پرچم حزب قرار داشتند، در انقلاب اوت برای تسخیر قدرت قیام کردند و پیکار مقاومت جویانه‌ی را به منصفی ظهور رسانیدند. جنگ مقاومت جویانه‌ی ما بی تردید جنگ خلق بود. در جبهه‌ی جنگ ارتش می جنگید تا دشمن را از صحنه خارج کند و در پشت جبهه - در کارگاهها و کارخانجات اسلحه و مهمات سازی و در مزارع کشتکار - خلق یعنی در حقانان و کارگران به کار تولیدی اشتغال داشتند - ارتقا تولیدات برای امور تدارکاتی و آذوقه‌ی جبهه‌ی جنگ اهمیت حیاتی داشت. نیروهای مسلح خلق از نیروهای مسلح نظام (ارتش نظام) ، از واحدهای منطقه‌ای ، از چریکهای مسلح و از واحدهای پارتیزانی تشکیل می شد. تنها راه حمل مسئله " سراسر خلق زیر سلاح " این بود که هر یک از اهالی کشور یک نفر سرباز ، هر ده یک غلغله‌ی نظامی ، هر سلول حزبی و هر کمیته‌ی مقاومت یک ستار فرماندهی باشی. ساکنین مناطقی پشت جبهه‌ی دشمن نیز نیرومندتر از اهالی مناطق آزاد شده می جنگیدند ، پیکار مقاومت جویانه‌ی ما در گلیه‌ی عرصه مبارزه بود. در عرصه‌ی نظامی ، در عرصه‌ی سیاسی ، در عرصه‌ی اقتصادی و ایدئولوژی.

از نقطه‌ی نظر سیاست داخلی گوشه‌های ما صرف آگاهی سیاسی دادن هر چه بیشتر به خلق ، تقویت و گسترش جبهه‌ی واحد ملی و جلوگیری از هر نوع مانورهای انحصار بگانه و گول زنانه‌ی دشمن می شد.

از نقطه‌ی نظر سیاست خارجی گوشه‌های ما صرف آن می شد که توجه و پشتیبانی کشورهای مترقی را نسبت به مبارزه خویش جلب نمائیم و بیشتر از همه فعالیتهای خود را بیشتر از پیش با فعالیتهای خلق فرانسه و خلقهای مستعمرات فرانسه علیه این جنگ " کشیف " هماهنگ سازیم.

فد فهای اساسی اقتصاد ما صرف ایجا دوسا زماندهی اقتصاد جنگ به هر قیمت که امکان داشت می گردید. زیرا توان پیکار مقاومت

جویانهی طولانی ما تا حد معتدلی بهی مربوط به این بود که تا چه اندازه
رشد و ارتقا امور تولیدی می تواند نیازمند یهای ما را بر طرف
سازد. و نیز تا چه اندازه موفق می شدیم اقتصاد دشمن را تباه
کنیم زیرا دشمن برای ادامه و اداره جنگ تمام منابع انسانی و مادی
را معکوس کرده بود.

اهمیت رهبری جنگ روانی نیز در سازمان و ابصران پیکار مقاومت
جویانهی ما که فعالیت توده ای و همین پرستانه داشت و در امور
سازماندهی ارتش دشمن تا پیش نبود. لازم بود که قاطعانه
علیه شیوه های ضلوك در مناطق آزاد شده گام نهاد و از رشوه
خواری و غشاد که پیوسته پیش از پیش گریبانگیر اهالی در مناطق اشغال
شده می گردید با انرژی تمام جلوگیری نمود. تیزبینی ما می بایست
بیش از همه متوجهی خنثی کردن تبلیغات دشمن شود. در عین
حال می بایست به امر سازمان دادن سیستماتیک زمین و روحیهی صفا و مت
پیگیر اهالی کشور و رشد بنیه و توان پیکار مقاومت جویانهی مردم
نیز پیش پرداخت.

قدرت خلقی تحت رهبری حزب نقش مهمی در امر بسیج منابع
انسانی و مادی برعهده داشت. همین امر خود برای اجرای پیکار
مقاومت جویانهی ما قاطع بود. همه چیز برای جبهه
همه چیز بنشاط برپا روزی "راه حلی برای اهالی کشور
بود. با بکار انداختن تمام نیروها می بایست پیکار مقاومت جویانهی ما
تا پایان ادامه یابد. زیرا در غیر این صورت چگونه می توانستیم
امیر یالستیهای فرانسوی و عمال آنان را نابود کنیم و کشور را آزاد
سازیم؟ در غیر این صورت چگونه می توانست استقلال کشور و رهائی
آن بدست آید و تأمین گردد.

(۳)

حزب ما به راه استراتژی صحیح ادامه داد :
"در پیش گرفتن پیکار مقاومت جویانهی طولانی"
"جستجو و تلاش رهائی با کوششهای خود"
حزب ما غیظ منی مناسبی برای عملیات نظامی تنظیم کرد:
"جنگ پیارتی زانی که به جنگ تحرکی تبدیل شد."

حزب ما در همان آغاز جنگ نقاط ضعف و نقاط بر جسته ی
نیروهای مجری جنگ را بطور اساسی تحلیل کرد. شناخت
توان نیروهای رو در رو و شناخت هد فهای استراتژیک
دشمن به ما امکان داد که راه صحیح استراتژی خود را تعیین کنیم.
دشمن ویتنام یک کشور امیر یالستی بود که گرچه در جنگ و م
جهانی ضعیف شده بود ولی با وجود آن به اندازهی کافی برای ما قوی
و نیرومند محسوب می شد. ارتش مرفه ای تعلیم یافته و مسلح به سلاح
مدرن فرانسه را دشمنش به زحمت می توانست در جنگ تجاوزی تحت
فشار جدی قرار دهد. ولی سرانجام و پایان این جنگ غیر عادلانه
چون روز روشن بود: فستدان اقتصاد در صفوف دشمن

فقدان پشتیبانی اهالی کشور از او، محکوم شدنش در برابر افکار عمومی جهان و در نتیجه ضعف و حیهی جنگی قوای متجاوز که در ابتدا برتریداشتند، مشکلات دیگری نیز بدانها اضافه شد: از قبیل محدودیت منابع انسانی و مادی، مخالفت سرسختانهی خلق فرانسه با این جنگ "گشیف" و غیره.....

ویتنام، کشور مستعمره و نیمه فئودالی بود که تازه مدت زمان کوتاهی قبل استقلالش را بدست آورده بود. شرایط مادی اولیه ما بود: اقتصاد عقب مانده بود، ارتش ما تشوئی بود از چریکهای که هنوز تعلیمات کسافی نیاخته بودند، بد سلاح بودند، با مشکلات بزرگ مهمات دست به گریبان بودند و افراد بسیار اندکی برای فرماندهی وجود داشت، ولی خصیلت مبارزانه و نسیبی جنگ و پیکار مقاومت جویانه به سرور ما بود. توفیق حاصل شد که نیروهای ملت با هم متحد شوند، از پشتیبانی بیدریغ خلق و ارتش خلق و آمادگی جنگی از برخوردار گردید، خلقهای جهان را بسوی خود متوجه ساخت و به سمت خود آورد.

از عرصهی جنگ و نیروهای نظامی چنین بر می آمد که استراتژی دشمن بر پایهی اخذ نتیجهی سریع نظامی با عملیات برق آسای نظامی تکیه دارد. زیرا هر نوع طولانی شدن جنگ فعالیت دشمن را تضعیف می کرد و بر نقاط ضعف او می افزود. ولی این استراتژی باتوان و قدرت محدود امپریالیستهای فرانسه که در جنگ دوم جهانی جدا ضعیف شده بود در تنگنا بود. از این رو دشمن در استراتژی تهاجمی و تعرضی خود ناگزیر شد عملیات نظامی برق آسا را با استراتژی پیشرفت و تعرضات تدریجی تلفیق کند، آری اوضاع و احوال چنین بود که گاهی ضرورت ایجاب می کرد وارد مذاکره شود و از گذشت زمان برای تقویت خود استفاده کند. با وجود این، علیرغم همین مشکلات و نقاط ضعف هر گاه دشمن موقعیت مناسبی می یافت بی درنگ به عملیات نظامی برق آسا می پرداخت که ضد فن نتیجهی سریع جنگی بود، از همان آغاز مناقشات امپریالیستهای فرانسه این آرزوی بلند پرواز را در سر داشتند که امر ایغال و "آرام کردن" نام بود هر چه سریعتر به پایان برند، چون با توسعه و گسترش جنگ واحدهای منظم یا در شهرهای بزرگ سرگویی و ضهدم نشدند دشمن قوای خود را جمع آوری و متمرکز ساخت. عملیات تعرضی و تهاجمی وسیعی علیه منطقهی بساک بو آغاز کرد تا ارگانهای رهبری و نیروهای مسلح منظم ما را در این منطقه از صفا خارج کند، ولی این عملیات وسیع تهاجمی دشمن به سنگ خورد و با شکست روبرو گردید. دشمن ناگزیر شد طولانی تر از مدتی که پیش بینی کرده بود به جنگ ادامه دهد و برای آرام کردن مناطق پشت جبهه می خویش دست بکار شود. از این رو استراتژی عملیات برق آسا را کنار گذاشت، تمویضات و جا بجایی مادی متعدد در سر فرماندهی بوجود آورد. فراخواندن ژنرال نسبا و ار به هند و چین بخاطر آن بود که بتواند بر دشمن شکست فاطمانای وارد کند.

بر پایهی توان نیروهای متخاصم، حزب ما استراتژی همیشگی مبارزه و مقاومت جویانه طولانی را طرح و تبلیغ کرد. در برابر دشمنی که موقعا نیرومند است خلق ما در موقعیتی نبود که با عملیات برق آسای جنگی نتیجهی سریعی بدست آورد. زمان لازم بود تا نیروهای مقاومت بسیج شوند و قوام و استحکام روشی بیابند.

برای نا توان ساختن دشمن لازم بود توان نیروهای موجود خود را - تا بدانجا ارتقا دهیم که نیروی ما برتر از دشمن شود . در عین حال می توانستیم از دیگر گونیهای عرصه جبهه‌ها نیز به سود خویش استفاده کنیم . و بدین ترتیب دشمن را بطور قطعی و نهائی از پا در آوریم .

اصول کلی جنگ انقلابی طولانی بطور عام شامل سه مرحله است : مرحله عقب نشینی و دفاع استراتژیکی ، مرحله تعادل و توازن نیروها ، و سرانجام مرحله عملیات تهاجمی و تفرقی متقابل . پیکار متناوب - جویانه‌ی ما نیز تا بسع این قانون ضدی عام بود ، البته در عرصه پیکار شرایط و امکانات موجود سبب می شود که این مراحل اشکال انعطافی پذیر و یا بفرنج تری بخود گیرند .

در عرصه فعالیت‌های استراتژی "پیکار مقاومت جویانه طولانی" ابتدا به مانورهای برای از جسم پاشیدن و تفرقی و پراکنده ساختن نیروها - پرداختیم تا اینکه نیروهای مسلح ما از شهرها به روستا عقب نشینی کنند . این مانورها بخاطر این بود که توان و قدرت خود را حفظ کنیم و از پناهنده‌های روستائی خود دفاع نمائیم . پس از ناکامی عملیات سریع و برقی اسای تهاجمی دشمن بر منطقه ویت نام ، همینکه تعادل و توازن نیروها پدید آمد تصمیم گرفتیم جنگهای پارتیزانی به مقیاس وسیعتری درگیر شود . از سال ۱۹۵۰ لا ینقطع به جنگهای تفرقی گونه گون پرداختیم تا ابتکار عملیات را در عرصه نظامی جبهه شمال کشور در دست داشته باشیم . سپس لشکرکشی عظیم دین بین فو در آغاز سال ۱۹۵۴ با حملات وسیع تهاجمی ما آغاز شد که به پیکار مقاومت جویانه‌ی ما پایان موفقیت آمیزی داد .

استراتژی "پیکار مقاومت جویانه طولانی" تنها شامل تلاشهای عظیم سازماندهی در عرصه نظامی - اقتصادی نبود ، بلکه این استراتژی بسا پیروسیهای آموزشی و پرورش همیارد شوار و طولانی و بسا مبارزه‌ی آید شو لوزی در درون حزب و در درون خلق بمنظور ادامه پیکار مقاومت جویانه و مبارزه با گرایش‌ها نادرست که در جریان پیکار مقاومت جویانه پیوسته بروز می کردند نیز همراه و همزمان بود . در آن هنگام گرایش‌ها سماعت آمیزی به صورت گرایش به کنار گذاشتن مقاومت نظامی نظامی نظامی هر کرد زیرا به نظر اینان ویتنام کشوری بود با اقتصاد عقب افتاده و سرزمینی که کوچکتر از آن بود بتواند با واحدهای نظامی کم تجربه اش بطور موثر با دشمن رودر رو شود و به پیکار مقاومت جویانه طولانی ادامه دهد . از این گذشته گرایش‌ها نیز به شکل بسیم آخر زدن برای اخذ نتیجه‌ی سریع نیز پناهی گرفت و توسعه می یافت . این امر در سال ۱۹۵۰ با طرح یک یورش تفرقی عمومی همگامی که هنوز تمام شرایط عینی و ذهنی وجود نداشت بروز کرد . پس از آغاز پیکار مقاومت جویانه این گرایش‌ها جرا جویانه به اشکال مختلف در برخی از عملیات و مانورهای ما صورت گرفت که عقب نشینی نیروها برای حفظ توان نیروها مورد توجه قرار نمی گرفت . این انحرفات نادرست با کوششهای حزب تصحیح شدند و خلق در مورد شواری های پیکار مقاومت جویانه و در مورد ناگورهای مساعد این پیکار آگاهی بدست آورد و سراسر ملت به تقویت اساسی این پیکار مقاومت جویانه طولانی فرا خوانده شد .

کتاب اساسی رفیق ترونک چین، تحت عنوان "نبرد مقاومت جویانه - پیروز خواهد شد" یاری رسانید که سیاست و تصمیمات حزب تشریح شود. در اینجا بجاست که اهمیت قطعنامهی اولین پانزوم کمیته مرکزی حزب ما در سال ۱۹۵۱ که با خط مشی حزب انطباق داشت برپشته شود.

..... "نبرد مقاومت جویانه ما دشوار و طولانیست.....
....." ما رهائی و استقلال خویش را می توانیم فقط با تلاشهای خود بدست آوریم....."

سیاسیان گونه گون آموزش سیاسی حزب و ارتش ما و نیز اقدامات دیگر در مورد روشنگری و تبلیغات بین خلق درست مطلقاً بی با خط مشی کمیته مرکزی حزب ما به تقویت ارادهی مقاومت و پیکار مقاومت جویانه و روحیهی ادامه کاری پرداختند. اعتماد و ایمان به پیروزی نهائی را بین مردم را سنج تر و استوارتر کردند تا آنجا که توده ها پیوسته بیشتر خط مشی حزب را دایره ای پیکار مقاومت جویانه طولانی و جستجوی رهائی و استقلال با تلاشهای خود درک و فهم کنند. بدون اراده ای را سنج و بدون جستجوی رهائی و استقلال با نیرو و تلاش خود غیر ممکن بود پیکار مقاومت جویانه طولانی ادامه یابد. این اراده از اینرو ضرورت مطلق داشت که خلق ما ناگزیر بود علیه "یک بلوک متحد ملیان دراز سرخنه" به پیکار دشواری ادامه دهد. ما راه دیگری نداشتیم جز اینکه فقط بر نیروی خود تکیه کنیم تا بتوانیم در برابر دشمن مقاومت و ایستادگی کنیم. طبق اصل تکیه بر نیروی خود ارتش ما کوشید که در جبهه های جنگ اسلحه های دشمن را به غنیمت گیرد و با همان اسلحه هزینه های تسلیحاتی و مهمات خویش را که بسیار محدود بود تا مین کند. ضرورت داشت که روحیهی نداکاری تقویت یابد، کلیه ی شواری ها تحمل گردد و مشکلات برطرف شوند. لازم بود که مهمترین فعالیتها را در امور تولیدی انجام گیرد، بخش از نیازمندیهای روزانهی خود را تهیه کنیم تا بار برداختنهای خستگی های خستگی تر شود. همچنین کوششهای ما - متوجه سازماندهی امور پشت جبهه و ارتقاء اقتصاد جنگ می شد. می بایست در موقعیتی قرار گیریم که نیازمندیهای اهالی کشور تا مین شود و نیز ادو قه ی جبهه های جنگ تا تضمین یابد. تولیدات در کلیه عرصه ها و مناطقی می بایست چنان افزایش یابد که کلیه احتیاجات اهالی کشور برطرف شود تا بتوانند در برابر بلوک یکپارچه دشمن بطور موثر و فعال مقاومت و ایستادگی کنند. در راه قابل کشت ساختن زمینهای بیشتر و بالا بردن سطح تولید مواد غذایی و تأسیس کارگاهها و کارخانجات اسلحه سازی بتدریج گامهایی برداشته شد. مخصوصاً هموطنان و واحدهای نظامی مناطق مرکزی و مناطق نام بیو راه حل رهائی با نیرو و تلاش خود را بخصی ظهور رسانیدند. آنها تلاش خارق العاده ای در راه جستجو و تهیهی فراوردهها از خود نشان داده و تولیداتی را که جنبه ی کمکی و امدادی داشتند و برای تدارکات اهمیت داشت ارتقاء دادند. بدین ترتیب توانستند توان خویش را بیشتر و نیرومندتر کنند و در شرایط فوق العاده دشوار به پیکار مقاومت جویانه ادامه دهند.

تحت تاثیر موقعیت مساعد بین المللی که در آن موقر رخ داد و با توجه به مشکلات

عظیمی که می بایست با آنها مبارزه کرد در حزب و در درون غلطی گرایش
تکیه بر کمکهای خارجی بروز می کرد. حزب علیه این تعادلات و این
گرایش نادرست با شعار «عاشق بوسیله نیروی خود» متقابل و مبارزه
کرد. حزب از این امر غافل نماند که پیوسته نشان دهد علی رغم کمکهای
برهمناطلی فقط کوششهای خود را است که می تواند پیروزی در جنگ
ورهای و استقلال ملی را تضمین کند.

رهبری صحیح پیکار متعادل و متجانبه با دشمنی روشن استراتژی یکی
یک خط مشی ایتراتیو مناسب و منطبق با آنرا بمشابهی شرط ضروری برای
یکار بردن موثقت آمیز استراتژی ایجاب می کرد. بطور کلی همیشه جنبه
پیکار متعادل و متجانبه می ماند ریج از جنگ پارتیزانی به جنگ منظم
مبدل می شد. این گذار در واقع با جنگهای محلی و موضعی متحد و به
منصه‌ای ظهور می رسید. ما نیز از این اصل که پیروزی ما را ممکن ساخت
غافل نشدیم. ولی این بدان معنی نیست که ما در آغاز کار بدان اعتقاد
داشتیم بلکه بتدریج در جریان یک پروسسه طی طولانی آموزشی
و تجربی اندوختیم در پراتیک پیکار بدان تا شک شدیم.

در جریان پیکار متعادل و متجانبه، جنگ پارتیزانی نقش کلیدی
استراتژی یک پیروز گرفت زیرا جنگ پارتیزانی شکل مناسب مبارزه
توده های خلق کشور ضعیفی بود که تسلیحات ناچسوری داشتند
ولی علیه ارتش متجاوز مصط نه می جنگیدند. ارتش متجاوزی که
از نقطه‌ای نظر فنی و مادی براتب نیرومند تر بود، فقط با روحیه‌ای
برجسته و واحد ها و بی باکی است که در جنگ پارتیزانی می توان با
برتری نظامی دشمن رفتار کرد. استراتژی جنگ پارتیزانی عبارتست از:
عقب نشینی بهنگامی که دشمن نیرومند است. پسته به شرایط موقعیت متفرق شدن
یا متمرکز شدن. به جنگهای مفید یا جنگهای نا بود کننده پرداختن.
خطه بردشمن در همه جا وانچنان که در دریائی از دشمن مسلح ناگهان
ظا هر شد و روحیه اش را ضعیف ساخت بطوریکه نیروهایش را بقطع
از هم پاشیده و پیریشان شود. گذشته از گروههای کوچکی که در تمام
بردشمن خطه وری شوند در شرایط مساعد باید گروههای بزرگ نیز وضد
تشکیل و متمرکز شوند تا با عملیات ویژه ای در محل مناسب و لحظه‌ای مساعد
برتری خود را تا مرحله‌ای نا بود کردن کامل دشمن ارتقاء دهند.
دره زره جصع گردد و انگهی دریا شود: یعنی حملات کوتاه مدت و -
کوچک دائمی بتدریج قوای دشمنی ای دشمن را پریشان می کنند و بر
عکس توان جنگی ما را نیرومند تر می سازند.

هدف مرکزی و اصلی جنگ نا بودی کامل قوای دشمن است. به هیچ
وجه لا زم نیست که نیروهای مسلح خود را برای دفاع از منطقه‌ای بنند
آورد و یا متفرق ساخت. شرایط لا زم برای نا بودی کامل توان
نیروهای دشمن و همراه با آن رهائی کشور باید ابتدا پدید آید
تا این امر عملی شود. بی تردید جنگ پارتیزانی نوعی از مبارزه است
که با سنگوی پیکار مقاومت جویانه‌ای می باشد. در مرحله‌ای ابتدائی -
جنگ منظم وجود نداشت. نمی توانست هم وجود داشته باشد. تنها
جنگ پارتیزانی وجود داشت. هنگامی که مناسبات خصمانه به تمام بو
سرایت کرد جنگ پارتیزانی بمشابهی شکل مبارزه‌ای مناسبی انتخاب شد.

در واقع این شکل جنگ، خود به خود آغاز گردید. ولی این مسئله که جنگ پارتیزانی باید شکل عمده و اصلی مبارزه باشد هنوز روشن و آشکار نشده بود.

در ابتدای لشکرکشی پارتیزان - زمستان ۱۹۴۷ کمیته مرکزی در پیارهی پرداختن به جنگ پارتیزانی در تمام مناطق اشغالی دشمن تبلیغ کرد. بخشی از قوای نظام ما به دستجات کوچک تقسیم شدند و مستقلاً به عملیات پرداختند. این دستجات بطور عمیق در پشت جبهه‌های دشمن زخمه کردند. لشکرکشی‌های تبلیغاتی بین خلق آغازیدن گرفت که هدف آن تأمین تضمین پایگاهها و توسعه جنگ پارتیزانی بود. بوجود آوردن این دستجات خود مختار، هماهنگی عملیات آنان با عملیات گردانهای سیسار سرآغازی بود بسوی پیروزی و وسیله‌ای برای گستر تجزیهات عملی ضروری در ابرو و رهبری جنگ پارتیزانی.

توسعه جنگ پارتیزانی چنان جبهه‌های جنگ را گسترش داد که مناطق پشت جبهه‌های دشمن به مستدم ترین خطوط جبهه تبدیل شدند. دشمن برای جلوگیری از گسترش و بسط جنگ پارتیزانی عملیات "تصفیه و پاک کردن" را تشدید کرد. همچنین دشمن به تقویت نیروهای موجود خود در شبه جزیره‌های هند و چین پرداخت. دشمن به از هم پاشیدن و متفرق ساختن واحدهای پارتیزانی پرداخت. تا بود کردن پایگاههای سیاسی ما، محصولات ما و چسباندن سرسختانه‌های اهالی کشور که دشمن در پیش گرفت یکی از برنامه‌های "آرام کردن" بود. در جریان این عملیات و در جریان عملیات "تصفیه" و نیز در جریان عملیات ضد تصفیه که بوسیله‌ی ما در گرفت و به شکل جنگ پارتیزانی در پشت جبهه‌های مناطق اشغالی اجرا شدند بر دشمن ضربات حساسی وارد شد. در جریان این عملیات متقابلاً، خلق ما رزمندگی و فداکاری بی مانندی از خود نشان دادند.

بنظر گسترش جنگ پارتیزانی در پشت جبهه‌های دشمن، حزب ما با اقدام آموزشی خود تلفیقی با رزمی سیاسی، اقتصادی و نظامی را تبلیغ کرد، از هر موثمی برای بکار انداختن و شرکت توده‌ها در نبرد مسلحانه بنظر تقویت نیروهای مسلح و بنده آوردن و کوششهای دادن نیروهای دشمن استفاده کرد. برنامه‌های حزب ما عبارت بود از تبدیل یک تدریجی مناطق اشغال شده به مراکز عملیات پارتیزانی و به پایگاههای پارتیزانی. هنگامی که وضع روبه‌خاست نهاد قوای ما به عقب نشینی فراخوانده شد تا نیروی مسلح خود را حفظ کند و پایگاهها تضمین شوند.

جنگ پارتیزانی اراده‌ی رزمندگی و بی‌پای خا رقی العادیه خیلنما و رهبری قابل انعطاف حزب ما را در جناح‌های پشت جبهه دشمن به اثبات رسانید. از نقطه‌ی نظر استراتژیک، جنگ پارتیزانی هنگامی می‌تواند دشمن را از پا در آورد و متلاشی کند که نقشه‌های دشمن را دائماً عتیق گذارد و لا ینقطع بروی ضربه وارد آورد. با وجود این، برای از پا در آوردن نهایی دشمن گذار از جنگ پارتیزانی به جنگ تحرکی ضرورت دارد. چون پیکار مقاومت جویانه‌ی ما بصورت جنگ انتقامی طولانی طرح شده بود از اینرو بهیچ وجه امکان نداشت، حزب ادامه‌ی جنگ پارتیزانی و تبدیل آن به جنگ تحرکی وجود

نداشت. در جریان جنگ پارتیزانی واحدهائی تشکیل شد که کوچک بودند و جنگ را با همین واحدهای کوچک آغاز کردند. سپس واحدها بتدریج بزرگتر شدند و جنگ پارتیزانی با این واحدها درگیر شد. بتدریج جنگهای پارتیزانی به جنگهای تحرکی مبدل گردیدند ولی با این وجود هنوز هم در این گذار عناصر جنگ پارتیزانی در حالت داشتند. سرانجام اندک اندک اصول جنگهای منظم تحرکی مسلط شد. جنگ تحرکی شکل جنگی نیروهای مسلح ارتش منظم است و علامت مشخصی آن عبارتست از: تجمع واحدهای نسبتاً با اهمیت در یکجا، عملیات نظامی در عرصه‌ی وسیعتر، حمله بر دشمن در آنجا که نیروهایش بدون پشتیبان است، رخنه‌ی عمیق در پشت جبهه‌ی دشمن برای شکست نیروهای مسلح هسته‌ای او، عقب نشینی سریع و پیروی بی‌تردید از اصول «دینامیک، ابتکار عمل، تحرک، تصمیم سریع در برابر موقعیتهای نوین». هرچقدر پیکار مقاومت جویانه‌ی ما بیشتر توسعه‌ی یافت به همان اندازه استراتژی جنگ تحرکی نیز اهمیت بیشتری کسب می‌نمود. لازم بود که هرچه بیشتر واحدهای بزرگتر دشمن از پارتیزان تا اینکه تناسب نیروها و توازن قوا به سود ما درگرم شود و ما برتری بدست آوریم. ولی جنگهای پارتیزانی برخلاف جنگهای تحرکی بیشتر از هر چیز هدفش آن بود که قوای دشمن را خیره‌ی دشمن را ناتوان کرده و از صف خارج کند. از اینرو، ضرورت ایجاد می‌کرد که جنگ تحرکی به جنگهای نابود کننده و دردم شکننده روی آورد. زیرا فقط با این جنگهای نابود کننده در موقعیتی قرار می‌گرفتیم که در برابر حملات بزرگ تهاجمی دشمن از خود دفاع کنیم، پایگاههای خود را در پشت جبهه‌ی دشمن تأمین کنیم و ابتکار عملیات را در دست گیریم. هدفهای نیابودنی، کسب اصل نیروهای مسلح دشمن و آزادی کامل کشور بود.

در عرصه‌ی پراتیک و اجرای خطی ایتالیو - یعنی توسعه و گسترش جنگ پارتیزانی و تبدیل آن به جنگ تحرکی - در آغاز جنگ، بخشی از واحدهای پارتیزانی عملیات منفرد انجام می‌دادند ولی تعدادی از واحدهای پارتیزانی نیز بصورت دستجات بزرگ مجتمع و متمرکز می‌شدند و به عملیات بزرگتری پرداختند. این بدان معنی بود که اولین عناصر جنگهای تحرکی وارد نقشه‌ی عملیات ما می‌شدند. با تأسیس جنگهای مستقل و واحدهای متحرک و بسیار به عملیاتی پرداختیم که تمرکز نیروی بیشتری لازم داشت. جنگ تحرکی درگیر شد.

در سال ۱۹۴۸ نیروهای ما با توان یک یا چند واحد به حملات با اهمیتی پرداختند. در سال بعد (۱۹۴۹) نه تنها در پاک بو بلکه در مناطق دیگر کشور نیز به حملات و زد و خوردهای نسبتاً کوچک پرداختیم. از سال ۱۹۵۰ به بعد لشکرکشی‌های ما تکمیل تر و بزرگتر شد بطوریکه در عرصه‌ی عملیات جنگی منظمه‌ی پاک بو جنگهای تحرکی شکل اساسی پیکار مقاومت جویانه‌ی ما شد. سرانجام جنگهای سنگری و تحرکی در دین بیمن شو به بالا ترین سطحی خود رسید.

با پیوسته بیان کردیم که جنگ پارتیزانی باید توسعه و گسترش یابد. ولی برای اینکه چنین جنگی اصولاً شگوفان گردد لازم است که حتماً

از جنگ پارتیزانی به جنگ تحرکی تبدیل شود ، این گذار یک قانون
مندی است .

جنگ تحرکی در پیکار مقاومت جویانه‌ی ما از جنگ پارتیزانی
تجلی یافت . از سوی دیگر ، بدون توسعه و گسترش جنگ پارتیزانی و گذار
آن به جنگ تحرکی عهد فراستراتژیکی ما - یعنی نابسمودی
قوای دشمن غیر ممکن بود که تا همین شود . آری ، جنگ پارتیزانی
بمطابق شکل جنگی منفرد و پراکنده اگر به جنگ تحرکی تبدیل نمی‌شد
حکوم به ناکامی می‌گردید . اگر ما به این ضرورت که جنگ پارتیزانی
یا به جنگ تحرکی ارتقاء دهیم تکیه می‌کردیم به هیچوجه به مفهوم
آن نیست که جنگ پارتیزانی باید گسارگداشته شود . بیش از همه
این امر به مفهوم آنست که با گسترش جنگ پارتیزانی و توسعه‌ی آن با پیس
قوای مسلح منظمی تشکیل و تبلور یابد که بتواند عملیات جنگ تحرکی
را انجام دهد . پس آنکه با این عملیات اداره و رهبری کردن و احداث
پارتیزانی و جنگ پارتیزانی در چار مشکلات شود .

هنگامی که جنگ تحرکی وارد عرصه‌ی جنگهای پارتیزانی می‌شد -
ضرورت هماهنگی صحیح و نزدیک این دو بوجود آمد . این امر
سبب شد که واحدهای جدید التاسیس ما که به تازگی خصلت دیگری یافته
بودند نیرومندتر شوند ، پیکار مقاومت جویانه‌ی ما رشد و ارتقاء
یابد و واحدهای دشمن از هم پاشیده و درهم شکسته شوند .

قانون مندی دیگر جنگ - یعنی توسعه و گسترش جنگ پارتیزانی از اینرو
ضرورت دارد که بتوان از شرایط مناسبی که بوسیله‌ی جنگهای تحرکی
پدید می‌آید حداکثر استفاده را نمود . انطباق و تلاقح همزمان
جنگ پارتیزانی با جنگ تحرکی در هنگامی که حد اکثر تا شری و حداکثر
نیروی ضربتی بدست آورده باشند خود برگسترش جنگ تحرکی قاطعانه
تا ثیر می‌کنند . تصاعد و ارتقاء جنگ تحرکی باید به گسترش و توسعه‌ی
جنگ پارتیزانی منحصر گردد . شرایط لازم برای آن باید بوجود آید .
عناصر جنگهای سنگری (جبهه‌ای) خود در جریان جنگ پارتیزانی
و مقابله با نیروی دشمن بوجود می‌آیند . جنگ سنگری (جبهه‌ای) که
بخش تفکیک ناپذیر جنگ تحرکیت رشد و توسعه‌ی ما باید و اهمیت
بیشتری بدست می‌آورد . استراتژی روشن و آشکار اینست که در طریق
حفظ تماس و هماهنگی اشکال مختلف جنگی تلاش ورزید .
در آغاز جنگ شکل تسلط و تقدم جنگی ، جنگ پارتیزانی و گسترش آنست . در
مرحله‌ی گذار و تبدیل آن به جنگهای منظم تحرکی باید این روش شکل
چنان همزمان و هماهنگ با یکدیگر انطباق و تلاقح یابند که باز هم
جنگ پارتیزانی تقدم و تسلط خود را بر جنگ تحرکی حفظ کنند
و جنگ تحرکی قویا پیرو جنگهای پارتیزانی باشند تا اینکه سرانجام
در فازهای بعد مرکزیت یابد و شکل اصلی جنگ را گیرد . در این
جاست که این جنگ با حملات تعرضی منظمی و محلی و موضعی
در صحنه‌ی معین چنان عمل می‌کند که پیوسته بیشتر مرکزیت یابد
و جنگهای پارتیزانی که در عین حال رشد و گسترش می‌یابند در مقام
مقایسه با جنگ تحرکی نقش فرعی می‌یابند .

در عرصه‌ی عملیات جنگی درست هنگامی مشکلات عظیم پدید آمد که